

نقل قولهایی که در عهد پریر از کتاب اشعیا شده، بیش از مجموع نقل قولهایی است که از سایر کتب عهد عتیق در عهد پریر شده است. اشعیا هفتمده سال پیش از مسیح می‌زیسته و بیش از هر نبی دیگری به ظهور مسیح موعود توجه داشته است.

کتاب اشعیا اساساً به منظور هشدار دادن به قوم اسرائیل نوشته شده است. فراوند از قوم اسرائیل می‌خواهد که از کارهای قبیح و گناه‌آلود خویش دست بردارند و بسوی او بازگشت نمایند. موضوع دیگر کتاب اشعیا ظهور مسیح است و نتایج این ظهور که عبارتست از بخشش گناهان، تسلی و امید. اشعیا با مهارت فاضل ادبی، گناهان مردم زمان خویش را توصیف می‌نماید: «گاو مالک خود را و الاغ صاحب خویش را می‌شناسد، اما قوم اسرائیل شعور ندارد و فرای خود را نمی‌شناسد.» اشعیا فراوند را به عنوان قالیق، قادر مطلق و دانای کل معرفی می‌کند که در عین حال قوم خود را عمیقاً دوست دارد و مایل است با آنان مصافحت داشته باشد. احتمالاً مهمترین فصل این کتاب، فصل پنجاه و سه است، که در آن فرمت و زحمات مسیح با زبانی بسیار گویا توصیف شده است.

ای قوم اسرائیل، سرزمینتان ویران گشته و شهرهایتان به آتش کشیده شده است. بیگانگان هر چه را که می‌بینند، در برابر چشمانتان به غارت می‌برند و نابود می‌کنند. اورشلیم همچون کلبه‌ای در مزرعه و مانند سایبانی در جالیز، بی‌دفاع و تنها مانده است.^۸ اگر خداوند قادر متعال به داد قوم ما نمی‌رسید این عده کم نیز از ما باقی نمی‌ماند و اورشلیم مثل شهرهای سدوم و عموره بکلی از بین می‌رفت.^۹ ای حاکمان و ای مردم اورشلیم که چون اهالی سدوم و عموره فاسد هستید، به کلام خداوند گوش دهید.^{۱۰} او می‌فرماید: «از قربانی‌های شما بیزارم. دیگر آنها را به حضور من نیاورید. قوچهای فریه شما را نمی‌خواهم. دیگر مایل نیستم خون گاوها و بره‌ها و بزغاله‌ها را ببینم.^{۱۱} چه کسی از شما خواسته که وقتی به حضور من می‌آید این قربانی‌ها را با خود بیاورید؟ چه کسی به شما اجازه داده که این چنین آستان خانه مرا پایمال کنید؟^{۱۲} دیگر این هدایای باطل را نیاورید. من از بخوری که می‌سوزانید نفرت دارم و از اجتماعات مذهبی و مراسمی که در اول ماه و در روز سبت بجا می‌آورید بیزارم. نمی‌توانم این اجتماعات گناه‌آلود را تحمل کنم.^{۱۳} از همه آنها متنفرم و تحمل دیدن هیچکدام را ندارم.^{۱۴} هرگاه

این کتاب شامل پیامهایی است که خدا در دوران سلطنت عزریا و یوتام و آحاز و حزقیال، پادشاهان سرزمین یهودا، در عالم رؤیا به اشعیا پسر آموص داد. این پیامها درباره یهودا و پایتخت آن اورشلیم است.

یاغیگری قوم اسرائیل

آی آسمان و زمین، به آنچه خداوند می‌فرماید گوش کنید: «فرزندانی که بزرگ کرده‌ام برضد من برخاسته‌اند.» گاو مالک خود را و الاغ صاحب خویش را می‌شناسد، اما قوم اسرائیل شعور ندارد و خدای خود را نمی‌شناسد.»^{۱۵} وای بر شما قوم گناهکار که پشتتان زیر بار گناهانتان خم شده است. وای بر شما مردم شرور و فاسد که از خداوند مقدس بنی اسرائیل رو گردانده و او را ترک گفته‌اید.^{۱۶} چرا از گناهان خود دست بر نمی‌دارید؟ آیا به اندازه کافی مجازات نشده‌اید؟ ای اسرائیل، فکر و دلت تمام بیمار است. از سرتاپا مجروح و مضروب هستی؛ جای سالم در بدنت نمانده است. زخمهایت باز مانده و عفونی شده، کسی آنها را بخیه نزده و مرهم نمانده است.

اعمالشان مانند کاه در آتش خواهند سوخت و کسی قادر نخواهد بود آنها را نجات دهد.

صلح پایدار

پیغام دیگری دربارهٔ سرزمین یهودا و شهر اورشلیم از جانب خداوند به اشعیا پسر آموص

رسید:

در روزهای آخر، کوهی که خانهٔ خداوند بر آن قرار دارد، بلندترین قلهٔ دنیا محسوب خواهد شد و مردم از سرزمینهای مختلف به آنجا روانه خواهند گردید. آنان خواهند گفت: «بیایید به کوه خداوند که خانهٔ خدای اسرائیل بر آن قرار دارد برویم تا او قوانین خود را به ما یاد دهد و ما آنها را اطاعت کنیم. زیرا خداوند دستورات خود را در اورشلیم صادر می‌کند.»

خداوند به جنگهای بین قوم‌ها خاتمه خواهد داد و آنان شمشیرهای خود را به گاو آهن و نیزه‌های خویش را به اره تبدیل خواهند کرد. قوم‌های دنیا دیگر در فکر جنگ با یکدیگر نخواهند بود.

ای نسل یعقوب بیایید در نور خداوند راه برویم!

تکبر انسان نابود می‌شود

خداوند به این علت قوم اسرائیل را ترک کرده است که سرزمین ایشان از جادوگری شرقی‌ها و فلسطینی‌ها پر شده و مردم رسوم اجنبی‌ها را بجا می‌آوردند. اسرائیل از گنجهای طلا و نقره، و از اسبها و عرابه‌ها^۶ و بتهایی که بدست انسان ساخته شده، پرگشته است. مردم اسرائیل بتها را پرستش می‌کنند^۷ و کوچک و بزرگ جلو آنها زانو می‌زنند. خدا این گناه ایشان را نخواهد بخشید.

مردم از ترس خداوند و هیبت حضور او به درون غارها و شکاف صخره‌ها خواهند خزید و خود را در خاک پنهان خواهند کرد.^۸ روزی خواهد رسید که بلندپروازی و تکبر انسانها نابود خواهد شد و فقط خداوند متعال خواهد بود.^۹ در آن روز، خداوند قادرمتعال برضد اشخاص مغرور و متکبر برخواهد خاست و آنها را پست خواهد کرد.^{۱۰} همهٔ سروهای بلند «لبنان» و بلوطهای ستبر «باشان» خم خواهند

دستهایتان را بسوی آسمان دراز کنید، روی خود را از شما برخوادم گرداند و چون دعای بسیار کنید، اجابت نخواهم نمود؛ زیرا دستهای شما به خون آلوده است.

^{۱۶} «خود را بشویید و طاهر شوید! گناهیانی را که در حضور من مرتکب شده‌اید از خود دور کنید.^{۱۷} نیکوکاری را بیاموزید و با انصاف باشید. به مظلومان و یتیمان و بیوه‌زنان کمک کنید.»

^{۱۸} خداوند می‌فرماید: «بحث و جدل من با شما این است: اگر چه لکه‌های گناهانتان به سرخی خون است، اما من آنها را مانند پشم پاک می‌کنم و شما را همچون برف سفید می‌سازم!^{۱۹} کافی است مرا اطاعت کنید تا شما را از محصول زمین سیر کنم.^{۲۰} اما اگر به سرپیچی از من ادامه دهید، بدست دشمن کشته خواهید شد.» این کلام خداوند است.

^{۲۱} ای اورشلیم، زمانی تو نسبت به خداوند وفادار بودی، اما اینک همچون یک فاحشه بدنبال خدایان دیگر می‌روی. زمانی شهر عدل و انصاف بودی، اما اکنون شهر جنایتکاران شده‌ای.^{۲۲} زمانی چون نقره خالص بودی، ولی اینک فلزی بی‌مصرف شده‌ای. زمانی همچون شراب ناب بودی، ولی اکنون همانند آب شده‌ای.^{۲۳} رهبرانت یاغی و شریک دزدانند؛ همه رشوه‌خوارند؛ از یتیمان حمایت نمی‌کنند و به دادخواهی بیوه‌زنان گوش نمی‌دهند.^{۲۴} بنابراین خداوند، خدای قادر متعال اسرائیل به آنها می‌گوید: «شما دشمن من هستید؛ تا از شما انتقام نگیرم آرام نمی‌شوم.^{۲۵} به دست خود، شما را مثل فلز در کوره می‌گدازم تا از کثافت خود پاک شوید.

^{۲۶} «مانند گذشته، رهبران و مشاورانی لایق به شما خواهم بخشید تا اورشلیم را به شهر عدالت و امانت مشهور سازند.»

^{۲۷} خداوند عادل، اورشلیم و اهالی توبه‌کار آن را نجات خواهد داد.^{۲۸} اما گناهکاران و عصبانگران را به هلاکت خواهد رساند و کسانی را که او را ترک کنند نابود خواهد کرد.

^{۲۹} شما از بت‌پرستی خود در زیر درختان بلوط باغهایتان پیشیمان خواهید شد،^{۳۰} و مانند بلوطی خشک و باغی بی‌آب، از بین خواهید رفت.^{۳۱} زورمندانتان با

گردید.^۴ تمام کوه‌ها و تپه‌های بلند،^۵ و همهٔ برجها و حصارهای مرتفع با خاک یکسان خواهند شد.^۶ تمام کشتی‌های بزرگ و باشکوه، در برابر خداوند متلاشی خواهند گردید.^۷ تمام شکوه و عظمت انسان از بین خواهد رفت و غرور آدمیان بخاک نشانده خواهد شد. تنها بکلی نابود خواهند گردید و در آن روز فقط خداوند متعال خواهد بود.

^۸ هنگامی که خداوند برخیزد تا زمین را بلرزاند، تمام دشمنانش از ترس و از هیبت جلال او به درون غارها و شکاف صخره‌ها خواهند خزید.^۹ آن‌گاه مردم بتهای طلا و نقرهٔ خود را برای موشهای کور و خفاشها خواهند گذاشت.^{۱۰} ایشان به درون غارها خواهند خزید تا از هیبت جلال خداوند، خود را در میان شکافهای صخره‌ها پنهان سازند.

^{۱۱} انسان چقدر ضعیف است! او مثل نفسی که می‌کشد ناپایدار است! هرگز به انسان توکل نکنید.

داوری بر اورشلیم و یهودا

^{۱۲} ای قوم من، رهبران شما کودکانند و حاکمانتان زنان. آنان شما را به گمراهی و نابودی می‌کشاند.^{۱۳} خداوند برخاسته تا قوم خود را محاکمه و داوری کند.^{۱۴} او بزرگان و رهبران قوم را محاکمه خواهد کرد، زیرا آنان تاکستانهای فقیران را غارت کرده، انبارهای خود را پر ساخته‌اند.^{۱۵} خداوند قادر متعال می‌فرماید:

«شما را چه شده است که اینچنین بر قوم من ستم می‌کنید و آنان را به خاک و خون می‌کشید؟»

^{۱۶} خداوند زنان مغرور اورشلیم را نیز محاکمه خواهد کرد. آنان با عشوه راه می‌روند و الگوهای خود را بصدا در می‌آورند و با چشمان شهوت‌انگیز در میان جماعت پرسه می‌زنند.^{۱۷} خداوند بر سر این زنان بلای گری خواهد فرستاد تا بی‌موشوند. آنان را در نظر همهٔ عریان و رسوا خواهد کرد.^{۱۸} خداوند تمام زینت‌آلاتشان را از ایشان خواهد گرفت گوشواره‌ها، الگوها، روبنده‌ها،^{۱۹} کلاه‌ها، زینت پاهای، دعاهایی که بر کمر و بازو می‌بندند، عطردانها،^{۲۰} آنگشترها و حلقه‌های زینتی بینی،^{۲۱} لباسهای نفیس و بلند، شالها، کیفها،^{۲۲} آئینه‌ها، دستمالهای زیبای کتان، روسریها و چادرها. آری، خداوند از همهٔ اینها محرومشان خواهد کرد.^{۲۳} بجای بوی خوش عطر، بوی گند تعفن خواهد داد.

بجای کمر بند، طناب به کمر خواهند بست. بجای لباس‌های بلند و زیبا، لباس عزا خواهند پوشید. تمام موهای زیبایشان خواهد ریخت و زیبایی‌شان به رسوایی تبدیل خواهد شد.^{۲۴} شوهرانشان در میدان

خداوند قادر متعال بزودی رزق و روزی اورشلیم و یهودا را قطع خواهد کرد و بزرگان

مملکت را از میان برخواهد داشت. قحطی نان و آب خواهد بود.^۲ جنگاوران و سپاهیان، داوران و انبیا، فالگیران و ریش سفیدان،^۳ سرداران و اشراف‌زادگان و حکیمان، صنعتگران ماهر و جادوگران حاذق، همگی از بین خواهند رفت.^۴ بجای آنان، کودکان مملکت را اداره خواهند کرد.^۵ همه جا هرج و مرج خواهد بود و هرکس حق دیگری را پایمال خواهد نمود. همسایه با همسایه به نزاع خواهد پرداخت، جوانان احترام پیران را نگه نخواهند داشت و اشخاص پست علیه انسانهای شریف بر خواهند خاست.

^۶ روزی خواهد رسید که افراد یک خاندان، یکی را از بین خود انتخاب کرده، خواهند گفت: «تو لباس اضافه داری، پس رهبر ما باش.»

^۷ او جواب خواهد داد: «نه، هیچ کمکی از دست من بر نمی‌آید! من نیز خوراک و پوشاک ندارم. مرا رهبر خود نکنید!»

آورد؟^۸ حال که چنین است من نیز دیواری را که دورش کشیده‌ام، خراب خواهم کرد تا به چراگاه تبدیل شود و زیر پای حیوانات پایمال گردد.^۹ تاکستانم را دیگر هرس نخواهم کرد و زمینش را دیگر نخواهم کند. آن را وا می‌گذارم تا در آن خار و خس برود و به ابرها دستور می‌دهم که دیگر بر آن نبارند.»^{۱۰}

^{۱۱} داستان تاکستان، داستان قوم خداوند است. بنی اسرائیل همان تاکستان هستند و مردم یهودا نهالهایی که خداوند با خشنودی در تاکستان خود نشانده. او از قوم خود انتظار انصاف داشت، ولی ایشان بر مردم ظلم و ستم روا داشتند. او انتظار عدالت داشت، اما فریاد مظلومان به گوشش می‌رسید.

وای بر بدکاران

^{۱۲} وای بر شما که دایم خانه و مزرعه می‌خرید تا دیگر جایی برای دیگران نماند و خود به تنهایی در سرزمینتان ساکن شوید. ^{۱۳} خداوند قادر متعال به من فرمود که این خانه‌های بزرگ و زیبا ویران و خالی از سکنه خواهند شد. ^{۱۴} از ده جریب تاکستان، یک بشکه شراب نیز بدست نخواهد آمد و ده من تخم، حتی یک من غله نیز نخواهد داد!

^{۱۵} وای بر شما که صبح زود بلند می‌شوید و تا نیمه شب به عیش و نوش می‌پردازید. ^{۱۶} با ساز و شراب محفل خود را گرم می‌کنید، اما به کارهای خداوند نمی‌اندیشید. ^{۱۷} بنابراین بخاطر این نابخردی به سرزمینهای دور دست تبعید خواهید شد. رهبرانتان از گرسنگی و مردم عادی از تشنگی خواهند مرد. ^{۱۸} دنیای مردگان با ولع زیاد دهان خود را باز کرده، تا آنها را به کام خود فرو برد. بزرگان و اشراف‌زادگان اورشلیم همراه مردم عادی که شادی می‌کنند، همگی طعمه مرگ خواهند شد.

^{۱۹} در آن روز، متکبران پست خواهند شد و همه خوار و ذلیل خواهند گردید، ^{۲۰} اما خداوند قادر متعال برتر از همه خواهد بود، زیرا فقط او مقدس، عادل و نیکوست.

^{۲۱} در آن روزها، حیوانات در میان ویرانه‌های اورشلیم خواهند چرید؛ آنجا چراگاه بره‌ها و گوساله‌ها و بزها خواهد شد.

جنگ کشته خواهند شد ^{۲۲} و شهر متروک شده، در سوگ آنان خواهد نشست و ناله سر خواهد داد.

در آن زمان تعداد مردان بقدری کم خواهد بود **ع** که هفت زن دست به دامن یک مرد شده، خواهند گفت: «ما خود خوراک و پوشاک خود را تهیه می‌کنیم. فقط اجازه بده تو را شوهر خود بخوانیم تا نزد مردم شرمگین نشویم.»

«شاخه خداوند»

^{۲۳} در آن روز «شاخه خداوند» زیبا و پرشکوه خواهد بود و ثمری که خداوند در اسرائیل تولید نموده است مایه فخر و زینت نجات یافتگان آن سرزمین خواهد گردید. ^{۲۴} کسانی که برگزیده شده‌اند تا در اورشلیم زنده بمانند، در امان خواهند بود و «قوم پاک خدا» نامیده خواهند شد. ^{۲۵} خداوند قوم اسرائیل را داوری کرده، ایشان را پاک خواهد ساخت و گناه اورشلیم و خونی را که در آن ریخته شده است، خواهد شست. ^{۲۶} سایه خداوند بر سر همه ساکنان اورشلیم خواهد بود و او مانند گذشته، در روز با ابر غلیظ و در شب با شعله آتش از ایشان محافظت خواهد کرد. ^{۲۷} جلال او در گرمای روز سایبان ایشان خواهد بود و در باران و طوفان پناهگاه ایشان.

سرود تاکستان

اینک سرودی در باره محبوب خود و تاکستانش می‌سرایم:

محبوب من تاکستانی بر تپه‌ای حاصلخیز داشت.

^{۲۸} او زمینش را کند و سنگهایش را دور ریخت،

و بهترین درختان مو را در آن کاشت.

درون آن برج دیده‌بانی ساخت،

چرخشی نیز در آن کند.

چشم انتظار انگور نشست،

اما تاکستانش انگور ترش آورد.

آکنون محبوب من می‌گوید: «ای اهالی اورشلیم و یهودا، شما در میان من و باغم حکم کنید! ^{۲۹} دیگر چه می‌بایست برای باغ خود می‌کردم که نکردم؟ چرا پس از این همه زحمت بجای انگور شیرین، انگور ترش

۶ در سالی که عزیزی پادشاه درگذشت، خداوند را دیدم که بر تختی بلند و باشکوه نشسته بود و خانه خدا از جلال او پر شده بود. اطراف تخت را فرشتگان احاطه کرده بودند. هر فرشته شش بال داشت که با دو بال صورت خود را می پوشاند، و با دو بال پاهای خود را، و با دو بال دیگر پرواز می کرد. آنها به نوبت سرود می خواندند و می گفتند: «مقدس، مقدس، مقدس است خداوند قادر متعال؛ تمام زمین از جلال او پر است!» صدای سرود آنها چنان با قدرت بود که پایه های خانه خدا را می لرزاند. سپس تمام خانه از دود پر شد.

۷ آنگاه گفتم: «وای بر من که هلاک شدم! زیرا من که مردی ناپاک لب هستم و در میان قومی ناپاک لب زندگی می کنم، خداوند، پادشاه قادر متعال را دیدم!» سپس یکی از فرشتگان بطرف قربانگاه پرواز کرد و با انبری که در دست داشت زغالی افروخته برداشت و آن را روی دهانم گذاشت و گفت: «حال دیگر گناهکار نیستی. این زغال افروخته لیهایت را لمس کرده و تمام گناهانت بخشیده شده است.»

۸ آنگاه شنیدم که خداوند می فرمود: «چه کسی را بفرستم تا پیغام ما را به این قوم برساند؟»

۹ گفتم: «خداوندا، من حاضرم بروم. مرا بفرست.» فرمود: «برو و به قوم من این پیغام را بده: هر چه بیشتر بشنوید کمتر خواهید فهمید و هر قدر بیشتر ببینید کمتر درک خواهید کرد.» سپس افزود: «دل این قوم را سخت ساز، گوشه ایشان را سنگین کن و چشمانشان را ببند، مبادا ببینند و بشنوند و بفهمند و بسوی من بازگشت کرده، شفا یابند.»

۱۰ گفتم: «خداوندا، تا به کی این وضع ادامه خواهد داشت؟»

پاسخ داد: «تا وقتی که شهرهایشان خراب شود و کسی در آنها باقی نماند و تمام سرزمینشان ویران گردد،^{۱۱} و من همه آنها را به سرزمینهای دور دست بفرستم و سرزمین آنها متروک شود.^{۱۲} در آن زمان هرچند یک دهم از قوم من در سرزمین خود باقی می ماند، اما آنان نیز از بین خواهند رفت. با این حال قوم اسرائیل مانند

۱۸ وای بر آنانی که مثل حیوانی که به گاری بسته شده باشد، گناهانشان را با طناب بدنبال خود می کشند،^{۱۹} و با تمسخر می گویند: «ای خدا، زود باش ما را تنبیه کن! می خواهیم ببینیم چه کاری از دستت برمی آید!»^{۲۰} وای بر شما که خوب را بد و بد را خوب می دانید؛ تلخی را شیرینی و شیرینی را تلخی می خوانید.

۲۱ وای بر شما که خود را دانا می پندارید و بنظر خود عاقل می نمایید؛^{۲۲} وای بر شما که استادید اما نه در اجرای عدالت، بلکه در شرابخواری و میگساری!^{۲۳} از بدکاران رشوه می گیرید و آنان را تبرئه می کنید و حق نیکوکاران را پایمال می نمایید.^{۲۴} بنابراین مانند کاه و علف خشک که در آتش می افتد و می سوزد، ریشه هایتان خواهد گندید و شکوفه هایتان خشک خواهد شد، زیرا قوانین خداوند قادر متعال را دور انداخته، کلام خدای مقدس اسرائیل را خوار شمرده اید.^{۲۵} خداوند بر قوم خود خشمناک است و دست خود را دراز کرده تا ایشان را مجازات کند. تپه ها به لرزه درمی آیند، و لاشه های مردم مثل زباله در خیابانها انداخته می شوند. با وجود این، خشم و غضب او پایان نمی یابد و او دست از مجازات ایشان بر نمی دارد.

۲۶ خداوند قومی را از دور دست فرا خواهد خواند تا به اورشلیم بیایند. آنها بسرعت خواهند آمد^{۲۷} و در راه خسته نخواهند شد و پایشان نخواهد لغزید و توقف نخواهند کرد. کمربندها و بند کفشهایشان باز نخواهد شد. خواهند دوید بی آنکه استراحت کنند یا بخوابند.^{۲۸} تیرهایشان تیز و کمانهایشان خمیده است. سم اسپه های ایشان مانند سنگ خارا محکم است و چرخهای عرابه هایشان مثل باد می چرخند.^{۲۹} ایشان چون شیر می غرند و بر سر شکار فرود می آیند و آن را با خود به جایی می برند که کسی نتواند از چنگشان نجات دهد.^{۳۰} در آن روز، آنها مانند دریای خروشان بر سر قوم من خواهند غرید و تاریکی و اندوه سراسر اسرائیل را فرا خواهد گرفت و آسمان آن تیره خواهد شد.

رسالت اشعیا

بخواهی، چه در زمین باشد چه در آسمان، برایت انجام خواهد شد.»

^{۱۲} اما پادشاه قبول نکرد و گفت: «این کار را نخواهم کرد و خداوند را امتحان نخواهم نمود.»^{۱۳} پس اشعیا گفت: «ای خاندان داود، آیا این کافی نیست که مردم را از خود بیزار کرده‌اید؟ اینک می‌خواهید خدای مرا نیز از خود بیزار کنید؟^{۱۴} حال که چنین است خداوند خودش علامتی به شما خواهد داد. آن علامت این است که باکره‌ای حامله شده، پسری بدنیا خواهد آورد و نامش را عمانوئیل* خواهد گذاشت.^{۱۵} قبل از اینکه این پسر از شیر گرفته شود و خوب و بد را تشخیص دهد، سرزمین این دو پادشاه که اینقدر از آنها وحشت دارید، متروک خواهد شد.

^{۱۷} «اما پس از آن خداوند، تو و قوم و خاندانت را به آنچنان بلایی دچار خواهد ساخت که از زمانی که امپراطوری سلیمان به دو مملکت اسرائیل و یهودا تقسیم شد، تاکنون نظیرش دیده نشده است. بلی، او پادشاه آشور را به سرزمینت خواهد فرستاد.^{۱۸} خداوند سپاهیان مصر را فرا خواهد خواند و آنها مانند مگس بر شما هجوم خواهند آورد و سربازان آشور را احضار خواهد کرد و ایشان مثل زنبور بر سر شما خواهند ریخت.^{۱۹} آنها در دسته‌های بزرگ آمده، در سراسر مملکت‌تان پخش خواهند شد. آنها نه فقط در زمینهای حاصلخیزتان ساکن خواهند گردید، بلکه حتی دره‌های بایر، غارها و زمینهای پر از خار را نیز اشغال خواهند کرد.^{۲۰} در آن روز، خداوند پادشاه آشور را که شما اجیر کرده بودید تا شما را نجات دهد، از آن سوی رود فرات خواهد آورد تا شما را از دم تیغ بگذراند و سرزمینتان را غارت کند.

^{۲۱} «پس از این غارت و کشتار، تمام سرزمینتان به چراگاه تبدیل خواهد شد. همه گله‌ها و رمه‌ها از بین خواهند رفت. کسی بیش از یک گاو و دو گوسفند نخواهد داشت. ولی فراوانی چراگاه باعث خواهد شد که شیر زیاد شود. کسانی که در این سرزمین باقی مانده باشند خوراکشان کره و عسل صحرایی خواهد بود.^{۲۲} در آن زمان تاکستانهای آباد و پرثمر به زمینهای

بلوط و چنار خواهند بود که چون قطع شود کنده‌اش در زمین باقی می‌ماند و دوباره رشد می‌کند.»

«عمانوئیل»

در زمانی که آحاز (پسر یوتام و نوه عزیا) بر یهودا سلطنت می‌کرد، رصین، پادشاه سوریه و فح (پسر رملیا)، پادشاه اسرائیل به اورشلیم حمله کردند، ولی نتوانستند آن را تصرف کنند.^۲ وقتی به دربار خبر رسید که سوریه و اسرائیل با هم متحد شده‌اند تا با یهودا بجنگند، دل پادشاه یهودا و قوم او از ترس لرزید، همانطور که درختان جنگل در برابر طوفان می‌لرزند.

^۳ سپس خداوند به اشعیا فرمود: «تو با پسرت شاریشوب* به دیدن آحاز پادشاه برو. او را در جاده‌ای که رختشویها در آن کار می‌کنند، در انتهای قنات حوض بالایی پیدا خواهی کرد.^۴ به او بگو که نگران نباشد، فقط آماده باشد و آرام بنشیند. آتش خشم رصین و فح مانند دودی است که از دو تکه هیزم بلند می‌شود؛ بگو از آنها نترسد.^۵ بلی، پادشاهان سوریه و اسرائیل بضد یهودا با هم تیراندازی کرده‌اند. آنها می‌خواهند به یهودا لشکرکشی کنند و مردمانش را بوحشت اندازند و آن را تسخیر کرده، پسر طنبیل را بر تخت پادشاهی بنشانند.

^۷ «اما من که خداوند هستم می‌گویم که این نقشه عملی نخواهد شد،^۸ زیرا قدرت سوریه محدود است به پایتختش دمشق و قدرت دمشق نیز محدود است به پادشاهش رصین. همچنین اسرائیل نیز قدرتی بیش از پایتختش سامره و سامره نیز قدرتی بیش از پادشاهش فح ندارد. بدانید که پادشاهی اسرائیل در عرض شصت و پنج سال از بین خواهد رفت. آیا این را باور می‌کنید؟ اگر سخنان مرا باور نکنید شما نیز از بین خواهید رفت.»

^{۱۰} سپس خداوند پیام دیگری برای آحاز پادشاه فرستاد: ^{۱۱} «ای آحاز، از من علامتی بخواه تا مطمئن شوی که دشمنانت را شکست خواهم داد. هر علامتی که

* شاریشوب. این نام بزبانی عبری به معنی «عده کمی بر فوآندر کشت» می‌باشد.

* بزبان عبری عمانوئیل یعنی «فرا ما است».

بدانید که پیروز نخواهید شد.^{۱۰} با هم مشورت کنید و نقشهٔ حمله را بکشید، اما بدانید که نقشهٔ شما عملی نخواهد شد، زیرا خدا با ما است!

^{۱۱} خداوند به تأکید به من امر کرد که راه مردم یهودا را در پیش نگیرم، و فرمود: ^{۱۲} «این قوم از سوریه و اسرائیل می‌ترسند و شما را خائن می‌دانند، اما شما از ایشان بیم نداشته باشید. ^{۱۳} بدانید که من خداوند قادر متعال، مقدس هستم و تنها از من باید بترسید. ^{۱۴} من پناهگاه هستم، اما نه برای یهودا و اسرائیل. برای آنان من سنگی لغزش دهنده و دامی پنهان خواهم بود. ^{۱۵} بسیاری از آنان لغزیده، خواهند افتاد و خرد خواهند شد و بسیاری دیگر در دام افتاده، گرفتار خواهند گردید.»

^{۱۶} ای شاگردان من، شما باید کلام و دستوراتی را که خدا به من داده است مهر و موم کرده، حفظ کنید. ^{۱۷} من منتظرم تا خداوند ما را یاری کند، هر چند اکنون خود را از قوم خویش پنهان کرده است. تنها امید من اوست. ^{۱۸} من و فرزندانم که خداوند به من داده است، از طرف خداوند قادرمتعال که در اورشلیم ساکن است

برای اسرائیل علامت و نشانه هستیم.»
^{۱۹} وقتی مردم به شما می‌گویند که با فالگیران و جادوگرانی که زیر لب ورد می‌خوانند مشورت کنید، شما در جواب بگویید: «آیا از مردگان دربارهٔ زندگان مشورت بخواهیم؟ چرا از خدای خود مشورت نخواهیم؟»

^{۲۰} مردم موافق کلام و دستورات خدا سخن نمی‌گویند و کلامشان عاری از نور حقیقت است. ^{۲۱} ایشان در تنگی و گرسنگی قرار خواهند گرفت و آواره خواهند شد. از شدت گرسنگی و پریشانی پادشاه و خدای خود را نفرین خواهند کرد. به آسمان خواهند نگرست ^{۲۲} و به زمین نگاه خواهند کرد، ولی چیزی جز تنگی و پریشانی و تاریکی نخواهند دید، و بسوی تاریکی محض رانده خواهند شد.

اسم او «عجیب» خواهد بود!

اما این تاریکی برای قوم خدا که در تنگی هستند تا ابد باقی نخواهد ماند. خدا سرزمین قبایل زبولون و نفتالی را در گذشته خوار و ذلیل

بایر و پر از خار تبدیل خواهند شد. ^{۲۴} مردم با تیر و کمان از آنجا عبور خواهند کرد، زیرا تمام زمین به صحرای حیوانات وحشی تبدیل خواهد شد. ^{۲۵} دیگر کسی به دامنهٔ تپه‌ها که زمانی آباد بودند نخواهد رفت، چون این تپه‌ها را خار و خس خواهد پوشاند و فقط گاوان و گوسفندان در آنجا خواهند چرید.»

پادشاه آشور، وسیله‌ای در دست خداوند

خداوند به من فرمود که «الوحی بزرگ بگیرم و ^۸ با خط درشت روی آن بنویسم: مهیر شلال حاش (یعنی «دشمنانت بزودی نابود خواهند شد.») * ^۲ من از اوربای کاهن و زکریا (پسر بیرکیا) که مردانی امین هستند خواستم هنگام نوشتن حاضر باشند و شهادت دهند که من آن را نوشته‌ام. ^۳ پس از چندی، همسرم حامله شد و هنگامی که پسرمان دنیا آمد خداوند فرمود: «نام او را مهیر شلال حاش بز بگذار. ^۴ پیش از آنکه این پسر بتواند «بابا» و «ماما» بگوید، پادشاه آشور به دمشق و سامره یورش خواهد برد و اموال آنها را غارت خواهد کرد.»

^۵ پس از آن، باز خداوند به من فرمود: ^۶ «حال که مردم یهودا آبهای ملایم نهر شیلوه * را خوار می‌شمارند و دلشان با رصین پادشاه و ققح پادشاه خوش است، ^۷ من پادشاه آشور را با تمام سپاه نیرومندش به اینجا خواهم آورد. آنها مانند رود فرات که طغیان می‌کند و کناره‌هایش را پر از آب می‌سازد، بر یهودا هجوم خواهند آورد و سراسر خاک آن را خواهند پوشاند.»

خدایا به داد ما برس!

ای سوریه و اسرائیل، هر کاری از دستتان بر می‌آید بکنید، ولی بدانید که موفق نخواهید شد و شکست خواهید خورد. ای همهٔ دشمنان گوش دهید: برای جنگ آماده شوید، ولی

* «مهیر شلال حاش بز» در لغت به معنی «غارت سریع و بی‌غماي شناخته شده» است.

** «نهر شیلوه» از چشمهٔ بزرگی در شرق اورشلیم جاری می‌شد.

*** اشعیا یعنی «فرآورندهٔ قوم نور را نجات می‌دهد»، شارلوتوب یعنی «عدهٔ کمی بر خواهند گشت» و مهیر شلال حاش بز یعنی «دشمنانت بزودی نابود می‌شوند».

فروکش نکرده و دست او همچنان برای مجازات دراز است.

^{۱۳} اسرائیل توبه نمی‌کند و بسوی خداوند بر نمی‌گردد. ^{۱۴} بنابراین، خداوند در یک روز مردم اسرائیل و رهبرانشان را مجازات خواهد کرد و سر و دم این قوم را خواهد برید! ^{۱۵} ریش سفیدان و اشراف اسرائیل سر قوم هستند و انبیای کاذبش دم آن. ^{۱۶} اینها که هادیان قوم هستند قوم را به گمراهی و نابودی کشانده‌اند. ^{۱۷} خداوند جوانانشان را مجازات خواهد کرد و حتی بر بیوه زنان و یتیمانشان نیز رحم نخواهد نمود، زیرا همه ایشان خداشناس و شرور و دروغگو هستند. به این سبب است که هنوز خشم خدا فروکش نکرده و دست او برای مجازات ایشان دراز است.

^{۱۸} شرارت این قوم باعث شده غضب خداوند قادر متعال افروخته گردد و مانند آتشی که خار و خس را می‌سوزاند و تمام جنگل را فرا می‌گیرد و دود غلیظی به آسمان می‌فرستد، همه را بسوزاند. مردم مانند هیزم می‌سوزند و حتی برادر به برادر کمک نمی‌کند. ^{۱۹} لقمه را از دست یکدیگر می‌قاپند و می‌خورند اما سیر نمی‌شوند. از شدت گرسنگی حتی بچه‌های خودشان را نیز می‌خورند! ^{۲۰} قبیله منسی و قبیله افرایم بضد یکدیگر، و هر دو بضد یهودا برخاسته‌اند. ولی با وجود این خشم خداوند فروکش نمی‌کند و دست او هنوز برای مجازات ایشان دراز است.

۱۰ وای بر قاضیان بی‌انصاف که قوانین غیر عادلانه وضع می‌کنند تا حق فقیران و بیوه زنان و یتیمان قوم مرا پایمال کنند و اموالشان را به غارت ببرند و بر ایشان ظلم کنند. ^۱ در روز بازخواست، وقتی خدا از سرزمین دور دست بر شما مصیبت بفرستد، چه خواهید کرد؟ به چه کسی پناه خواهید برد؟ گنجهایتان را کجا مخفی خواهید کرد؟ ^۲ در آن روز هر چه دارید زیر پای اسیران و کشته شدگان از بین خواهد رفت. با این حال، غضب خدا فروکش نخواهد کرد و دست او برای مجازات شما همچنان دراز خواهد بود.

پادشاه آشور، وسیله‌ای دردست خدا

ساخته بود، اما در آینده او تمام این سرزمین را از دریای مدیترانه گرفته تا آنطرف اردن و حتی تا خود جلیل که بیگانگان در آن زندگی می‌کنند، مورد احترام قرار خواهد داد. ^۱ قومی که در تاریکی راه می‌رفتند، نور عظیمی خواهند دید. بر کسانی که در سرزمین ظلمت زندگی می‌کردند، روشنایی خواهد تابید. ^۲ آئی خداوند، تو خوشی قوم خود را افزودی و به ایشان شادمانی بخشیدی. آنها همچون کسانی که با شادی محصول را درو می‌کنند، و مانند آنانی که با خوشحالی غنایم را بین خود تقسیم می‌نمایند، در حضور تو شادمانی می‌کنند. ^۳ زیرا تو یوغی را که بر گردن آنها بود شکستی و ایشان را از دست قوم تجاوزگر رهایی دادی، همچنان که در گذشته مدیانی‌ها را شکست داده، قومت را آزاد ساختی.

^۴ تمام اسلحه‌ها و لباس‌های جنگی که به خون آغشته‌اند خواهند سوخت و از بین خواهند رفت. ^۵ زیرا فرزندی برای ما بدنیا آمده! پسری بما بخشیده شده! او بر ما سلطنت خواهد کرد. نام او «عجیب»، «مشیر»، «خدای قدیر»، «پدر جاودانی» و «سرور سلامتی» خواهد بود. ^۶ او بر تخت پادشاهی داود خواهد نشست و بر سرزمین او تا ابد سلطنت خواهد کرد. پایه حکومتش را بر عدل و انصاف استوار خواهد ساخت، و گسترش فرمانروایی صلح‌پرور او را انتهای نخواهد بود. خداوند قادر متعال چنین اراده فرموده و این را انجام خواهد داد.

مجازات قوم اسرائیل

^۱ خداوند فرموده که قوم اسرائیل را مجازات خواهد کرد، ^۲ و تمام قوم که در سامره و سایر شهرها هستند خواهند فهمید که او این کار را کرده است؛ زیرا این قوم مغرور شده‌اند و می‌گویند: ^۳ «هر چند خشت‌های خانه‌های ما ریخته، ولی با سنگها آنها را بازسازی خواهیم کرد. هر چند تیرهای چوب افراغمان افتاده، اما بجای آنها تیرهای سرو کار خواهیم گذاشت.» ^۴ خداوند دشمنان اسرائیل را علیه او برانگیخته است. ^۵ او سوری‌ها را از شرق و فلسطینی‌ها را از غرب فرستاده تا اسرائیل را ببلعند. با این حال، خشم خداوند

جنگل بقدری کم خواهد شد که یک کودک نیز خواهد توانست آنها را بشمارد.

باقی ماندگان اسرائیل

زمانی فرا خواهد رسید که کسانی که در اسرائیل و یهودا باقی مانده باشند، دیگر تکیه‌گاهشان آشور نخواهد بود، بلکه از صمیم قلب بر خداوند که یگانه وجود پاک اسرائیل است توکل خواهند داشت.^{۱۱} ایشان بسوی خدای قادر مطلق باز خواهند گشت.^{۱۲} هر چند اکنون قوم اسرائیل مثل ریگ ساحل دریا بی‌شمارند، ولی در آن زمان عده کمی از ایشان باقی خواهند ماند و این عده به وطن باز خواهند گشت، زیرا مجازات عادلانه‌ای که تعیین شده، اجرا خواهد شد.^{۱۳} خداوند، خدای قادر متعال همانطور که مقرر فرموده تمام سرزمین ایشان را ویران خواهد کرد.

خداوند، خدای قادر متعال می‌فرماید: «ای قوم من که در اورشلیم ساکنید، از آشوریه‌ها نترسید، حتی اگر مانند مصریه‌های قدیم بر شما ظلم کنند.^{۱۴} زیرا پس از مدت کوتاهی از مجازات شما دست خواهم کشید و به هلاک کردن آنها خواهم پرداخت.^{۱۵} ایشان را مجازات خواهم کرد همانگونه که مدیانی‌ها را در کنار صخره غراب، و مصری‌ها را در دریا هلاک کردم.^{۱۶} در آن روز به اسارت شما پایان خواهم داد و شما قوی خواهید شد و یوغ بندگی از گردن شما خواهد افتاد.»^{۱۷}

سربازان دشمن به شهر عای رسیده‌اند! از مغرون عبور کرده و ساز و برگ خود را در مکماش گذاشته‌اند.^{۱۸} از گذرگاه گذشته‌اند و می‌خواهند شب را در جعب بسر برند. اهالی شهر رامه هراسانند. تمام مردم جعبه، شهر شائول، از ترس جان خود فرار می‌کنند.^{۱۹} ای مردم جلیم فریاد برآورید! ای اهالی لیشه و ای مردم بیچاره عناتوت گوش دهید! ^{۲۰} اهالی مدمینه و ساکنان جیبیم فراری شده‌اند.^{۲۱} امروز دشمن در نوب توقف می‌کند. او مشت خود را گره کرده و بطرف اورشلیم که بر کوه صهیون قرار دارد تکان می‌دهد.

اما همانگونه که هیزم‌شکن درختان جنگل لبنان را با ضربه‌های تبر قطع می‌کند، خداوند، خدای قادر متعال نیز آن درخت بزرگ را با یک ضربه قطع خواهد

خداوند می‌فرماید: «من آشور را مانند چوب تنبیه بدست خواهم گرفت و برای مجازات آنانی که بر ایشان خشمناک هستم به کار خواهم برد. قوم آشور را برضد این قوم خدانشناس که مورد خشم من هستند خواهم فرستاد تا آنها را غارت کنند و مانند گل، زیر پایهای خود لگدمال نمایند.»

اما پادشاه آشور نمی‌داند که وسیله‌ای است در دست خدا. مراد دل او این است که اقوام بسیاری را نابود کند. می‌گوید: «سرداران من هر یک پادشاهی هستند! شهرهای کرکیمیش و کلنو و حمات و ارفاد را تسخیر کردیم؛ سامره و دمشق نیز تسلیم ما شدند.^{۲۲} ممالکی را که بتهایشان بیش از بتهای اورشلیم و سامره بودند از بین بردیم.^{۲۳} اما سامره را با تمام بتهایش نابود کردیم و همین کار را نیز با اورشلیم و بتهایش خواهیم کرد.»

پس از آن که خداوند پادشاه آشور را برای مجازات اورشلیم بکار گرفت، آنگاه برمی‌گردد و پادشاه مغرور و متکبر آشور را نیز مجازات می‌کند.

پادشاه آشور می‌گوید: «من به قدرت و حکمت و دانش خود در این جنگها پیروز شده‌ام. من به نیروی خود مرزهای ممالک را از میان برداشتم و پادشاهان را سرکوب کردم و گنجهایشان را به یغما بردم.^{۲۴} ممالک دنیا را مانند آشیانه پرندگان تکان دادم و ثروت آنان را که مثل تخمهای پرندگان به زمین می‌ریخت جمع کردم بدون این که کسی جرأت کند بالی برایم تکان دهد و یا دهانش را باز کرده، جیک جیک کند.»

اما خداوند می‌فرماید: «آیا تبر به خود می‌بالد که قدرتش بیش از هیزم شکن است؟ آیا اره خود را بالاتر از کسی می‌داند که اره می‌کند؟ آیا عصا انسان را بلند می‌کند یا انسان عصا را؟»

خداوند قادر متعال بر جنگاوران تنومند پادشاه آشور بلایی خواهد فرستاد تا آنها را ضعیف و نحیف کند و مانند آتش آنها را بسوزاند.^{۲۵} خدای پاک که نور اسرائیل است همچون شعله آتش در یک روز همه چیز را مانند خار و خس خواهد سوزاند.^{۲۶} جنگل و مزارع پهناور آنها از بین خواهد رفت درست مانند بیماری که جسم و جاننش تباہ می‌شود.^{۲۷} درختان

کرد، و شاخه‌های بلند و تنومند آن کنده شده به زمین خواهند افتاد.
پادشاهی از خاندان داود
 درخت خاندان داود بریده شده است؛ اما یک روز کنده آن جوانه خواهد زد! بلی، از ریشه آن «شاخه‌ای» تازه خواهد رویید. ^{۱۱} روح خداوند بر آن «شاخه» قرار خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم، روح مشورت و قوت، و روح شناخت و ترس از خداوند. تمام خوشی او در اطاعت از خداوند خواهد بود. او بر اساس آنچه دیده یا شنیده می‌شود داوری نخواهد کرد؛ بلکه از حق فقرا و مظلومان دفاع خواهد کرد و از بدکارانی که بر ایشان ظلم می‌کنند انتقام خواهد گرفت. ^{۱۲} او با عدالت و صداقت حکومت خواهد کرد. ^{۱۳} در آن زمان گرگ و بره در کنار هم بسر خواهند برد، پلنگ و بزغاله با هم خواهند خوابید، گوساله با شیر راه خواهد رفت؛ و یک کودک آنها را به هر جا که بخواهد، خواهد راند. ^{۱۴} گاو در کنار خرس خواهد چرید، بچه خرس و گوساله در کنار هم خواهند خوابید، و شیر مانند گاو علف خواهد خورد. ^{۱۵} بچه شیرخوار در میان مارها، بدون خطر بازی خواهد کرد؛ و طفلی که از شیر گرفته شده باشد دست خود را داخل لانه افعی خواهد کرد بی‌آنکه آسیب ببیند. ^{۱۶} هیچ بدی و گزند در کوه مقدس خدا وجود نخواهد داشت، زیرا همانگونه که دریا از آب پر است همچنان جهان از شناخت خداوند پر خواهد شد.

فلسطینیان که در غرب هستند یورش خواهند برد و اقوامی را که در شرق سکونت دارند غارت خواهند کرد. سرزمین ادوم و موآب را تصرف خواهند کرد و سرزمین عمون را مطیع خود خواهند ساخت.

^{۱۵} خداوند خلیج دریای مصر را خشک خواهد ساخت و دست خود را بر رود فرات بلند خواهد کرد و باد تندی خواهد فرستاد تا آن را به هفت نهر تقسیم کند؛ آنگاه مردم را از آن خشکی عبور خواهد داد. ^{۱۶} برای بازماندگان قوم او در آشور شاهراهی خواهد بود تا آنان مانند اجداد خود که از مصر بیرون آمدند، به سرزمین خود بازگردند.

سرود شکرگزاری

در آن روز، اسرائیل این سرود را خواهد خواند: ^{۱۲} «ای خداوند تو را شکر می‌کنم، زیرا بر من غضبناک بودی، اما اینک مرا تسلی می‌دهی و دیگر غضبناک نیستی. ^{۱۳} براستی خدا نجات دهنده من است؛ بر او توکل خواهم کرد و نخواهم ترسید. خداوند قوت و سرود من است؛ اونجات من است. ^{۱۴} چه شادی بخش است نوشیدن از چشمه‌های نجات! ^{۱۵} «خداوند را شکر کنید! نام او را ستایش نمایید! اعمال او را به دنیا اعلام کنید! بگویید که او بزرگ و والا است! ^{۱۶} برای خداوند سرود بسرایید، زیرا کارهای بزرگی انجام داده است. بگذارید تمام جهان بداند که او چه کرده است. ^{۱۷} بگذارید مردم اورشلیم فریاد شادی سر دهند، زیرا خدای پاک اسرائیل عظیم است و در میان قومش حضور دارد.»

سقوط بابل

این است پیغامی که اشعیا (پسر آموص) ^{۱۳} درباره بابل از خدا دریافت کرد: ^۱ پرچم جنگ را بر تپه‌ای بلند برافرازید و سربازان را فرا خوانید و دروازه‌های مجلل بابل را به آنها نشان دهید تا بسوی آنها یورش برند. ^۲ خداوند سپاه مقدس و شجاع خود را که مشتاق خدمتش هستند فرا خوانده است تا کسانی را که بر ایشان غضبناک است مجازات کند. ^۳ صدایی در کوه‌ها به گوش می‌رسد! این صدا، صدای

^{۱۴} در آن روز، آن پادشاه نوظهور خاندان داود پرچم نجاتی برای تمام قوم‌ها خواهد بود و مردم بسوی او خواهند آمد و سرزمین او از شکوه و جلال پر خواهد شد. ^{۱۵} در آن زمان خداوند بار دیگر دست خود را دراز خواهد کرد و بازماندگان قوم خود را از آشور، مصر، سودان، حبشه، عیلام، بابل، حمات، و از تمام جزایر و بنادر دور دست به اسرائیل باز خواهد آورد. ^{۱۶} او در میان قوم‌ها پرچمی برخواهد افراشت و مردم اسرائیل و یهودا را که پراکنده شده‌اند، از گوشه و کنار دنیا جمع خواهد کرد. ^{۱۷} سرانجام دشمنی و کینه‌ای که میان اسرائیل و یهودا بود از بین خواهد رفت و آن دو دیگر با هم نخواهند جنگید. ^{۱۸} آنان با هم متحد شده، بر

یکسان خواهد کرد.^{۲۰} بابل دیگر هرگز آباد و قابل سکونت نخواهد شد. حتی اعراب چادرنشین نیز در آنجا خیمه نخواهند زد و چوپانان گوسفندان خود را در آن مکان نخواهند چرانید.^{۲۱} تنها حیوانات وحشی در آنجا بسر خواهند برد و روباه‌ها در آن محل لانه خواهند کرد. جغد‌ها در خانه‌های آنجا ساکن خواهند شد و بزهای وحشی در آنجا جست و خیز خواهند کرد.^{۲۲} صدای زوزه گرگها و شغالها از درون کانهایی زیبای بابل به گوش خواهد رسید. آری، زمان نابودی بابل نزدیک است!»

بازگشت اسرائیل از تبعید

۱۴ خداوند بر قوم اسرائیل ترحم خواهد کرد و بار دیگر آنها را برخواهد گزید و در سرزمینشان ساکن خواهد ساخت. بیگانگان مهاجر در آنجا با ایشان زندگی خواهند کرد. قومهای جهان به ایشان کمک خواهند کرد تا به وطن خود بازگردند. قوم اسرائیل در سرزمینی که خداوند به ایشان داده قومهای دیگر را به بردگی خواهند گرفت. آنانی که قوم اسرائیل را اسیر کرده بودند، خود به اسارت ایشان درخواهند آمد و بنی اسرائیل بر دشمنان خود فرمانروایی خواهند کرد.

انهدام پادشاه بابل

^{۲۳} هنگامی که خداوند قوم خود را از درد و اضطراب، بندگی و بردگی رهایی بخشد، آنگاه ایشان با ریشخند به پادشاه بابل چنین خواهند گفت:

«ای پادشاه ظالم سرانجام نابود شدی و ستمکاری‌هایت پایان گرفت^{۲۴} خداوند حکومت ظالمانه و شرارت‌آمیز تو را در هم شکست. تو با خشم و غضب، مردم را پیوسته شکنجه و آزار می‌دادی،^{۲۵} اما اکنون تمام مردم از دست تو آسوده شده، در آرامش زندگی می‌کنند و از شادی سرود می‌خوانند. صنوبرها و سروهای لبنان نیز شادمانند زیرا از زمانی که تو سقوط کردی دیگر کسی نیست که آنها را قطع کند!»

^{۲۶} دنیای مردگان آماده می‌شود تا به استقبال تو بیاید. رهبران و پادشاهان دنیا که سالها پیش مرده‌اند، آنجا در

جمع شدن قومهای جهان است. خداوند قادر متعال آنها را برای جنگ آماده می‌کند. آنها را از سرزمینهای بسیار دور می‌آورد تا ایشان را همچون اسلحه‌ای در دست بگیرد و توسط آنها سراسر خاک بابل را ویران کند و غضب خود را فرو نشاند.^{۲۷} ناله کنید، زیرا روز خداوند نزدیک است روزی که خدای قادر مطلق شما را هلاک کند.^{۲۸} در آن روز، دستهای همه از ترس سست خواهد شد و دلها آب خواهد گردید.^{۲۹} همه هراسان خواهند شد و دردی شدید مانند درد زنی که می‌زاید وجودشان را فرا خواهد گرفت. بر یکدیگر نظر خواهند افکند و از دیدن صورت‌های دگرگون شده یکدیگر به وحشت خواهند افتاد.^{۳۰} اینک روز هولناک خشم و غضب خداوند فرا می‌رسد! زمین ویران خواهد شد و گناهکاران هلاک خواهند گردید.^{۳۱} ستارگان آسمان نور نخواهند داشت، خورشید هنگام طلوع تاریک خواهد شد و ماه روشنائی نخواهد بخشید.

^{۳۲} خداوند می‌فرماید: «من دنیا را بخاطر شرارتش، و بدکاران را بسبب گناهانشان مجازات خواهم کرد. تمام متکبران را خوار خواهم ساخت و همه ظالمان را ذلیل خواهم کرد.^{۳۳} زندگان از طلای خالص نیز کمیاب‌تر خواهند بود.^{۳۴} من، خداوند قادر متعال، در روز خشم طوفانی خود، آسمانها را خواهم لرزاند و زمین را از جای خود تکان خواهم داد.

^{۳۵} بیگانگانی که در بابل ساکن باشند به سرزمینهای خود خواهند رفت. آنان مانند گله‌ای پراکنده و آهویی که مورد تعقیب شکارچی قرار گرفته باشد به وطن خود فرار خواهند کرد.^{۳۶} هر که گیر بیفتد با شمشیر یا نیزه کشته خواهد شد.^{۳۷} اطفال کوچک در برابر چشمان والدینشان به زمین کوبیده خواهند شد؛ خانه‌ها غارت و زنان بی‌عصمت خواهند گردید.

^{۳۸} «من مادها را که توجهی به طلا و نقره ندارند به ضد بابلی‌ها برخوام انگیخت تا بابلی‌ها نتوانند با پیشکش کردن ثروت خود جان خود را نجات دهند.^{۳۹} سپاهیان مهاجم بر جوانان و کودکان رحم نخواهند کرد و آنها را با تیر و کمان هدف قرار خواهند داد.^{۴۰} به این ترتیب، خدا بابل را که باشکوه‌ترین ممالک و زینت فخر کلدانیان است مانند سدوم و عموره با خاک

اسرائیل برسد، شکست خواهم داد و سربازانش را روی کوه‌هایم تارومار خواهم کرد. قوم من دیگر برده آنها نخواهد بود و آنها را بندگی نخواهد کرد.^{۲۶} دست توانای خود را دراز خواهم کرد و قومها را مجازات خواهم نمود. این است آنچه برای قومها تقدیر کرده‌ام.^{۲۷} بلی خداوند قادر متعال این را تقدیر کرده است. پس چه کسی می‌تواند آن را باطل کند؟ این دست اوست که دراز شده است، بنابراین چه کسی می‌تواند آن را بازگرداند؟

نبوت درباره سقوط فلسطین

^{۲۸} در سالی که آحاز پادشاه درگذشت، این پیغام از سوی خدا نازل شد:
^{۲۹} ای فلسطینی‌ها، از مرگ پادشاهی که بر شما ظلم می‌کرد شادی نکنید، زیرا پسرش از او بدتر خواهد کرد! از مار، افعی بوجود می‌آید و از افعی، اژدهای آتشین! خداوند بیچارگان قوم خود را شبانی خواهد کرد و آنها در چراگاه او راحت خواهند خوابید، اما بر شما فلسطینی‌ها قحطی خواهد فرستاد و شما را هلاک خواهد کرد.^{۳۰} ای شهرهای فلسطین گریه و شیون کنید و بلرزید، زیرا سپاه خشمناکی در صفوف فشرده، از شمال بسوی شما در حرکت است!^{۳۱} پس به فرستادگانی که از فلسطین می‌آیند چه باید گفت؟ باید گفت که خداوند اورشلیم را بنیاد نهاده تا قوم رنج‌دیده او در آن پناه گیرند.

نبوت درباره سقوط موآب

این است پیغام خدا برای سرزمین موآب:
۱۵ شهرهای «عار» و «قیر» موآب در یک شب ویران می‌شوند. آدر دیبون قوم عزادار موآب به بتخانه‌ها پناه می‌برند تا برای شهرهای نبو و میدبا گریه کنند. همه مردم موی سر و ریش خود را تراشیده، آلباس عزا پوشیده‌اند و در کوچها راه می‌روند. از هر خانه‌ای صدای شیون و زاری بلند است. صدای گریه شهرهای حشبون و العاله تا یاهص نیز شنیده می‌شود. حتی جنگاوران موآب نیز ناله می‌کنند و از شدت ترس می‌لرزند.

انتظار تو هستند. آنها وقتی تو را ببینند به تو خواهند گفت: «تو نیز مانند ما ضعیف شدی و با ما فرقی نداری!»^{۱۱} حشمت تو از دست رفته است و نوای دلنشین بریطهای قصرت دیگر بگوش نمی‌رسد. اکنون تشک تو کرمها هستند و لحافت موربانه‌ها.^{۱۲}

^{۱۳} ای ستاره درخشان صبح، چگونه از آسمان افتادی! ای که بر قوم‌های جهان مسلط بودی، چگونه بر زمین افکنده شدی!^{۱۴} در دل خود می‌گفتی: «تا به آسمان بالا خواهم رفت، تخت سلطنتم را بالای ستارگان خدا خواهم نهاد و بر قله کوهی در شمال که خدایان بر آن اجتماع می‌کنند جلوس خواهم کرد.»^{۱۵} به بالای ابرها خواهم رفت و مانند خدای متعال خواهم شد.^{۱۶} اما تو به دنیای مردگان که در قعر زمین است، سرنگون شدی.^{۱۷} اینک وقتی مردگان تو را می‌بینند به تو خیره شده، می‌پرسند: «آیا این همان کسی است که زمین و قدرت‌های جهان را می‌لرزاند؟^{۱۸} آیا این همان کسی است که دنیا را ویران می‌کرد و شهرها را از بین می‌برد و بر اسیران خود رحم نمی‌کرد؟»

^{۱۹} پادشاهان جهان، شکوهمندان در قبرهایشان آرامیده‌اند، ولی جنازه تو مثل شاخه‌ای شکسته، دور انداخته شده است. نعش تو در قبر روباز است و روی آن را جنازه‌های کشته‌شدگان جنگ پوشانده است. مثل لاشه حیوانی هستی که در زیر سم اسبان له شده باشد.^{۲۰} تو مانند پادشاهان دیگر دفن نخواهی شد، زیرا مملکت خود را از بین بردی و قوم خود را به نابودی کشاندی. از خاندان شرور تو کسی زنده نخواهد ماند.^{۲۱} پسران تو بخاطر شرارت اجدادشان کشته خواهند شد، و کسی از آنها باقی نخواهد ماند تا دنیا را فتح کند و شهرها در آن بسازد.

^{۲۲} خداوند قادر متعال می‌فرماید: «من خود برضد بابل برخوام خاست و آن را نابود خواهم کرد. نسل بابلی‌ها را ریشه کن خواهم کرد تا دیگر کسی از آنها زنده نماند.^{۲۳} بابل را به باتلاق تبدیل خواهم کرد تا جغدها در آن منزل کنند. با جاروی هلاکت، بابل را جارو خواهم کرد تا هر چه دارد از بین برود.»^{۲۴} خداوند قادر متعال قسم خورده، می‌گوید: «آنچه اراده نموده و تقدیر کرده‌ام به یقین واقع خواهد شد.»^{۲۵} من سپاه آشور را هنگامی که به سرزمین من

و العاله جاری می‌شود، زیرا میوه‌ها و محصولش تلف شده است.^{۱۰} شادی و خوشحالی برداشت محصول از بین رفته است؛ در باغهای انگور، دیگر نغمه‌های شاد بگوش نمی‌رسد؛ دیگر کسی انگور را در چرخشها، زیر پا نمی‌فشرد؛ صدای شادمانی خاموش شده است.^{۱۱} دل من مانند بریط برای موآب می‌نالد و برای قیرحارس آه می‌کشد.^{۱۲} اهالی موآب بی‌جهت بسوی بتخانه‌های خود بالا می‌روند تا دعا کنند؛ آنها بی‌جهت خود را خسته می‌کنند، زیرا دعایشان مستجاب نخواهد شد.

^{۱۳} این بود پیغامی که خداوند از قبل درباره موآب فرموده بود.^{۱۴} اما اینک خداوند می‌فرماید: «درست پس از سه سال، شکوه و جلال موآب از بین خواهد رفت و از جماعت زیاد آن عده کمی باقی خواهند ماند و آنها نیز قوت خود را از دست خواهند داد.»

نبوت درباره سوریه و اسرائیل

این است پیغام خدا درباره دمشق:

۱۷ «دمشق از بین خواهد رفت و تبدیل به ویرانه خواهد شد. شهرهای «عروعر» متروک خواهند شد و گوسفندان در آنجا خواهند خوابید و کسی نخواهد بود که آنها را بترساند. اسرائیل قدرتش را از دست خواهد داد و دمشق سقوط خواهد کرد. بازماندگان سوریه مانند قوم اسرائیل خوار و ضعیف خواهند شد.» این را خداوند قادر متعال فرموده است.

^{۱۵} خداوند می‌فرماید: «عظمت اسرائیل محو خواهد شد و ثروتش از بین خواهد رفت. در آن روز، اسرائیل مانند کشتزارهای دره رفائیم خواهد بود که پس از درو، چیزی در آن باقی نمی‌ماند. عده بسیار کمی از قوم اسرائیل باقی خواهند ماند، همانگونه که پس از چیدن زیتون دو سه دانه روی شاخه‌های بلند، و چهار پنج دانه نوک شاخه‌های کوچک باقی می‌ماند.» این را خداوند، خدای اسرائیل فرموده است.

^{۱۶} در آن روز، مردم بسوی آفریننده خود که خدای مقدس اسرائیل است روی خواهند آورد،^{۱۷} و دیگر به بتهایی که بدست خود ساخته‌اند، یعنی اشیریم و بتهای آفتاب، رو نخواهند نمود.^{۱۸} در آن روز، شهرهای

دلم برای موآب نالان است. مردم موآب به صوغر و عجلت شلشیا فرار می‌کنند؛ با گریه از گردنه لوحیت بالا می‌روند؛ صدای ناله ایشان در طول راه حورونایم به گوش می‌رسد.^{۱۹} رودخانه نمریم خشک شده است! علف سرسبز کنار رودخانه‌ها پلاسیده و نهالها از بین رفته‌اند.^{۲۰} مردم اندوخته خود را برمی‌دارند تا از راه «دره بیدها» فرار کنند.^{۲۱} شیون موآب در مرزهای آن طنین افکنده است و صدای زاری آن تا به اجلایم و بثرایلیم رسیده است.^{۲۲} رودخانه دیمون از خون سرخ شده است، ولی خدا باز هم اهالی دیمون را مجازات خواهد کرد. بازماندگان و فراریان موآب نیز جان سالم بدر نخواهند برد و طعمه شیر خواهند شد.

۱۶ آوارگان موآب از شهر سالع که در صحراست، برای پادشاه یهودا بره‌ای بعنوان خراج می‌فرستند. آنان مانند پرندگان بی‌آشیانه، در کناره رود اردن آواره شده‌اند. از مردم یهودا کمک می‌خواهند و با التماس می‌گویند: «ما را زیر سایه خود پناه دهید. از ما حمایت کنید. نگذارید بدست دشمن بیفتیم. اجازه دهید ما آوارگان در میان شما بمانیم. ما را از نظر دشمنانمان پنهان کنید!»

(سرانجام ظالم نابود خواهد شد و ستمکار و تاراج کننده از بین خواهد رفت.^{۲۳} آنگاه کسی از نسل داود بر تخت پادشاهی خواهد نشست و با عدل و انصاف بر مردم حکومت خواهد کرد. حکومت او بر رحمت و راستی استوار خواهد بود.)

^{۲۴} مردم یهودا می‌گویند: «ما درباره موآبی‌ها شنیده‌ایم. می‌دانیم چقدر متکبرند و به خود فخر می‌کنند، اما فخر آنها بی‌اساس است.»

^{۲۵} مردم موآب برای سرزمین خود گریه می‌کنند؛ نان کشمشی قیرحارست را به یاد می‌آورند و آه می‌کشند.^{۲۶} مزرعه‌های حشبون و تاکستانهای سبمه از بین رفته‌اند؛ درختان انگور را فرماندهان سپاه دشمن بریده‌اند. زمانی شاخه‌های این درختان انگور تا به شهر یعزیز می‌رسید و از بیابان گذشته، تا دریای مرده امتداد می‌یافت.^{۲۷} برای یعزیز و باغهای انگور سبمه گریه می‌کنم و ماتم می‌گیرم. اشکم چون سیل برای حشبون

که شاخه‌هایش را با اره بریده باشند، نابود خواهد شد. ^۱سربازان حبش در صحرا خواهند مرد و اجسادشان برای پرندگان شکاری و حیوانات وحشی واگذاشته خواهد شد. پرندگان شکاری در تابستان، و حیوانات وحشی در زمستان، از لاشه‌های آنها تغذیه خواهند کرد.

^۲اما زمانی خواهد رسید که این قوم قد بلند و نیرومند که همه جا خوف و هراس ایجاد می‌کردند و سرزمینشان میان رودخانه‌ها بود به اورشلیم که خداوند قادر متعال نام خود را در آن قرار داده است خواهند آمد و برای او هدیه خواهند آورد.

نبوت درباره مصر

پیامی برای مصر:

۱۹

خداوند بر ابری تندرو سوار شده و به جنگ مصر می‌آید. بت‌های مصر در برابر او می‌لرزند و دل مصریها از ترس ضعف می‌کند. ^۱خداوند می‌فرماید: «مصری‌ها را برضد یکدیگر خواهم برانگیخت تا برادر با برادر، همسایه با همسایه، شهر با شهر، و مملکت با مملکت بجنگند. ^۲تدبیرهایی را که مصریها اندیشیده‌اند بی‌اثر خواهم کرد و آنان روحیه خود را خواهند باخت. ایشان برای دریافت کمک، به بت‌هایشان پناه خواهند برد و برای چاره‌جویی، به احضارکنندگان ارواح و افسونگران و جادوگران متوسل خواهند شد.» ^۳خداوند قادر متعال می‌فرماید: «من مصریها را به دست حاکمی ستمگر و بیرحم تسلیم می‌کنم تا بر آنها حکمرانی کند.»

^۴آب رود نیل کم خواهد شد و بعد از مدتی خشک خواهد گردید. ^۵نهرها متعفن خواهند شد و آب جویها کم شده، خواهند خشکید. نی و بوریا پژمرده خواهند گردید، ^۶تمام سبزه‌ها و مزرعه‌های کنار رود نیل خشک شده، از بین خواهند رفت و تمام محصول تلف خواهد شد. ^۷همه ماهیگیرانی که تور و قلاب به رود نیل می‌اندازند نومید خواهند شد و زاری خواهند کرد. ^۸پارچه‌بافانی که با کتان پارچه می‌بافتند مأیوس خواهند گردید، ^۹و همه بافندگان و کارگران نومید و دل شکسته خواهند شد.

مستحکم ویران خواهند شد همچون شهرهای حوی‌ها و اموری‌ها که ساکنانشان آنها را در حین فرار برای اسرائیلی‌ها واگذاشتند.

^{۱۰}ای اسرائیل، تو خدای نجات دهنده خود و «صخره» مستحکم خویش را فراموش کرده‌ای و درختان می‌کاری تا در زیر آنها بت‌ها را بپرستی. ^{۱۱}ولی بدان که حتی اگر در همان روزی که درختان را می‌کاری آنها نمو کرده، شکوفه آورند، با وجود این محصولی نخواهند داد. در آن روز، آنچه نصیب شما می‌شود بالای کشنده و درد علاج ناپذیر خواهد بود.

^{۱۲}قوم‌های جهان مثل دریا می‌خورشند و همچون طوفان غرش می‌کنند ^{۱۳} و مانند سیل یورش می‌آورند. اما خدا آنها را خاموش می‌کند و به عقب می‌راند. ایشان مانند کاه در برابر باد، و خاک در برابر گردباد هستند. ^{۱۴}در شب رعب و وحشت ایجاد می‌کنند، ولی پیش از فرا رسیدن صبح نابود می‌شوند. این سزای کسانی است که سرزمین ما را تاراج می‌کنند و به یغما می‌برند.

نبوت درباره حبشه

۱۸

در آنسوی رودخانه‌های حبشه سرزمینی هست که قایق‌های بادبانی در آب‌هایش رفت و آمد می‌کنند. ^۱سرزمینی که سفیران خود را بر قایق‌هایی ساخته شده از نی، به رود نیل می‌فرستد. ای سفیران تندرو به آن سرزمینی بروید که بین رودخانه‌ها است و قومی بلند بالا و نیرومند در آن زندگی می‌کنند قومی که همه جا خوف و هراس ایجاد کرده‌اند. ^۲آی مردم دنیا توجه کنید! به پرچمی که بر قله کوه‌ها برافراشته می‌شود بنگرید و به صدای شیپوری که برای جنگ نواخته می‌شود گوش دهید! ^۳خداوند به من چنین فرموده است: «من از آسمان به آرامی نظر خواهم کرد به آرامی یک روز با صفای تابستانی و یک صبح دلپذیر پائیزی در وقت حصاد.» ^۴زیرا پیش از این که حصاد را جمع کنند، درست پس از ریخته شدن شکوفه‌ها و رسیدن انگور، حبشه مانند درخت انگوری

* بت‌پرست‌ها باغهای مفصومی غرس می‌کردند تا در آنها بت‌ها را بپرستند و میوه در شان آن را به بت‌ها وقف کنند. نگاه کنید به ا/ ۲۹.

و آمد خواهند کرد و هر دو یک خدا را خواهند پرستید.^{۱۱} اسرائیل نیز با ایشان متحد خواهد شد و هر سه مملکت با هم باعث برکت تمام جهان خواهند گردید.^{۱۲} خداوند قادر متعال آنها را برکت داده، خواهد گفت: «متبارک باد قوم من مصر و صنعت دست من آشور و میراث من اسرائیل!»

نبوت درباره مصر و حبشه

سرگن، پادشاه آشور، سردار سپاه خود را به شهر اشدود در فلسطین فرستاد و آن را تسخیر کرد.^{۲۰} سه سال پیش از این رویداد، خداوند به اشعیا پسر آموص فرموده بود که لباس و کفش خود را از تن در بیاورد و عریان و پا برهنه راه برود، و اشعیا چنین کرد.^{۲۱} هنگامی که اشدود بدست آشور افتاد خداوند فرمود: «خدمتگزار من اشعیا مدت سه سال عریان و پا برهنه راه رفته است. این نشانهٔ بلاهای هولناکی است که من بر مصر و حبشه خواهم آورد. پادشاه آشور مردم مصر و حبشه را اسیر خواهد کرد و کوچک و بزرگ را مجبور خواهد ساخت عریان و پا برهنه راه بروند تا مصر را رسوا کند.^{۲۲} آنگاه مردمی که در سواحل فلسطین زندگی می‌کنند و تکیه‌گاهشان حبشه، و فخرشان مصر است، پریشان و رسوا شده، خواهند گفت: «اگر بر سر مصر که می‌خواستیم از دست آشور به او پناه ببریم چنین بلایی آمد، پس بر سر ما چه خواهد آمد؟»

نبوت درباره بابل

این پیام برای بابل است:^{۲۱} مهاجمی از سرزمین دهشت، مانند گردباد بیابانی، بسوی بابل می‌آید. رؤیای ترسناکی می‌بینم، رویای خیانت و نابودی! ای لشکر عیلام حمله کن! ای لشکر ماد محاصره کن! خدا به نالهٔ قومهایی که زیر دست بابل هستند پایان می‌دهد.^{۲۲} با دیدن و شنیدن این چیزها مدهوش شدم و دردی چون درد زایمان همهٔ وجودم را فرا گرفت.^{۲۳} می‌ترسیدم و قلبم بشدت می‌تپید. آرزو می‌کردم هر

بزرگان شهر صوعن نادانند و هر مشورت و پندی که به پادشاه مصر می‌دهند احمقانه است. پس چگونه به پادشاه می‌گویند: «ما از نسل حکیمان و پادشاهان قدیم هستیم!»^{۱۳} ای پادشاه مصر مشاوران دانای تو کجا هستند؟ بگذار آنها به تو اطلاع دهند که خداوند قادر متعال برضد مصر چه اراده کرده است.^{۱۴} رهبران صوعن و ممفیس و تمام بزرگان مصر احمق و گمراهند، مصر را به نابودی کشانده‌اند.^{۱۵} خداوند سرگیجه به آنها داده و آنها مردم مصر را مانند اشخاص مست که برقی خود می‌افتند و بلند می‌شوند و نمی‌دانند به کجا می‌روند، گمراه کرده‌اند.^{۱۶} هیچکس نمی‌تواند مصر را نجات دهد نه بزرگ نه کوچک، نه ثروتمند و نه فقیر.

در آن روز، مصریها مانند زنان ضعیف خواهند شد و هنگامی که ببینند خداوند قادر متعال دستش را برای مجازات آنان دراز کرده است از ترس خواهند لرزید.^{۱۷} ایشان با شنیدن اسم سرزمین یهودا به وحشت خواهند افتاد. این را خداوند قادر متعال اراده نموده است.^{۱۸} در آن زمان، پنج شهر در سرزمین مصر از خداوند قادر متعال پیروی نموده، به زبان عبری سخن خواهند گفت، و یکی از این شهرها «شهر آفتاب» نامیده خواهد شد.

در آن روز، قربانگاهی در وسط مصر، و ستون یادبودی در مرز آن، برای خداوند برپا خواهد شد.^{۱۹} اینها نشان دهندهٔ حضور خداوند قادر متعال در سرزمین مصر خواهند بود. از آن پس، هرگاه مصریها دعا کرده، از خداوند بخواهند تا آنها را از دست ظالمان برهاند، او برای ایشان حامی و نجات دهنده‌ای خواهد فرستاد و ایشان را نجات خواهد داد.^{۲۰} خداوند خود را به مصریها آشکار خواهد کرد و ایشان خداوند را خواهند شناخت. مردم مصر با تقدیم قربانی‌ها و هدایا او را عبادت خواهند کرد و نذرهای خود را به وی ادا خواهند نمود.^{۲۱} به این ترتیب، خداوند اول مصریها را تنبیه خواهد کرد، سپس برگشته ایشان را شفا خواهد داد. بلی، مصریها بسوی خداوند بازگشت خواهند کرد و او دعایشان را شنیده، آنان را شفا خواهد داد.^{۲۲} در آن روز، شاهراهی از مصر به آشور کشیده خواهد شد، و مصریها و آشوریها به سرزمینهای یکدیگر رفت

قبیله قیدار از بین خواهد رفت^۷ و از تیراندازان و جنگاوران این قبیله بیش از چند نفر باقی نخواهند ماند. من که خداوند، خدای اسرائیل هستم این را می‌گویم.»

نبوت دربارهٔ اورشلیم

این پیام برای اورشلیم است:

۲۲ چه شده است؟ چرا مردم شهر به پشت‌بامها می‌دوند؟ در تمام شهر غوغا برپاست! برای این شهر شاد و پر جنب و جوش چه پیش آمده است؟ مردان اورشلیم کشته شده‌اند اما نه در جنگ، و نه با شمشیر. همه رهبران با هم فرار کردند و بدون اینکه تیری بیاندازند تسلیم شدند. وقتی دشمن هنوز دور بود مردم با هم گریختند و اسیر گردیدند. پس مرا به حال خود بگذارید تا برای مصیبت قوم، به تلخی بگیریم. کوشش نکنید مرا تسلی دهید، زیرا اینک زمان آن رسیده که خداوند قادر متعال اورشلیم را دچار مصیبت و آسفتگی و انهدام کند. دیوارهای شهر ما فرو ریخته است. فریاد مردم در کوه‌ها طنین می‌افکند. سپاهیان عیلام تیر و کمان را آماده کرده، بر اسبهای خود سوار شده‌اند و سربازان سرزمین «قیر» سپرهای خود را بدست گرفته‌اند. دشتهای سرسبز یهودا از عرابه‌های دشمن پر شده است و سواران دشمن به پشت دروازه‌های شهر رسیده‌اند. تیروی دفاعی یهودا در هم شکسته است.

برای آوردن اسلحه به اسلحه‌خانه می‌دوید. ^{۲۹}ارخنه‌های حصار شهر را بررسی می‌کنید، سپس خانه‌های اورشلیم را می‌شمارید تا آنها را خراب کنید و مصالحشان را برای تعمیر حصار به کار ببرید. برای ذخیره کردن آب، آب انبار در داخل شهر درست می‌کنید تا آب برکه قدیمی تحتانی را در آن بریزید. تمام این کارها را می‌کنید اما به خدا که سازنده همه چیز است توجهی ندارید. ^{۱۲}خداوند، خدای قادر متعال از شما می‌خواهد که گریه و ماتم کنید، موی خود را بتراشید و پلاس بپوشید. ^۳اما شما شادی می‌کنید، گاو و گوسفند سر می‌برید تا گوسفندان را با شراب بخورید و خوش بگذرانید. می‌گویید: «بخوریم و بنوشیم، چون

چه زودتر شب فرا رسد، ولی آرامش شب نیز جای خود را به وحشت داده بود.

^۸در رؤیا دیدم فرشتها پهن شده و سفره چیده شده است و عده‌ای مشغول خوردن و نوشیدنند. ناگهان فرمانی صادر می‌شود: «ای سرداران برخیزید و سپرهای خود را برای جنگ آماده سازید!»

^۷در این هنگام خداوند به من فرمود: «یک دیده بان تعیین کن تا هر چه را می‌بیند، خبر دهد. ^۷هنگامی که ببیند سواران جفت‌جفت بر الاغ و شتر می‌آیند باید دقت کند.»

^۸پس دیده‌بان را بالای حصار گذاشتم. یک روز او فریاد زد: «ای سرورم، روزها و شبها بر دیده‌بانگاه خود ایستاده دیده‌بانی کرده‌ام. اینک فوج سواران را می‌بینم که جفت‌جفت می‌آیند!»

در این هنگام، صدایی شنیدم که می‌گفت: «بابل سقوط کرد! بابل سقوط کرد! همهٔ بتهای بابل خرد شدند و روی زمین افتادند!»

^{۱۰}ای قوم من اسرائیل، ای قومی که مانند گندم کوبیده و غربال شده‌اید، به این خبر خوشی که از جانب خداوند قادر متعال، خدای اسرائیل، به شما اعلام کردم، گوش دهید.

نبوت دربارهٔ ادوم

^{۱۱}این پیام برای ادوم است:

یک نفر از ادوم مرا صدا می‌زند: «ای دیده‌بان، از شب چه خبر؟ چقدر مانده شب تمام شود؟»

^{۱۲}من جواب می‌دهم: «بزودی روز داوری شما فرا می‌رسد. بسوی خدا بازگشت کنید تا من خبر خوشی به شما دهم. او را بطلبید و دوباره بیایید و بپرسید.»

نبوت دربارهٔ عربستان

^{۱۳}این پیام برای عربستان است:

ای مردم ددان که در بیابانهای عربستان اردو می‌زنید، ^۴به تشنگانی که نزد شما می‌آیند آب دهید؛ ای مردم تیما به فراریان خوراک دهید. ^۵اینها از شمشیر برهنه و کمان کشیده و از جنگ سخت گریخته‌اند. ^{۱۶}خداوند به من گفت: «درست پس از یک سال قدرت و شوکت

دارد.^{۲۲} زمانی بندر صور مرکز تجارت دنیا محسوب می‌شد. کشتیهای صیدون که از مصر غله می‌آوردند تا تاجران صیدون با آن با تمام دنیا تجارت کنند، در این بندر لنگر می‌انداختند. اما اینک صور در سکوت مرگبار فرو رفته است!

شرم بر تو باد ای صیدون، ای فرزند مستحکم دریا! زیرا دریا می‌گوید: «من هرگز درد نکشیده و نزاییده‌ام و کودکی پرورش نداده‌ام.» چون خبر خرابی صیدون به مصر رسد او نیز سخت خواهد رسید.

ای مردم فنیقیه، گریه‌کنان به ترشیش فرار کنید! آیا این همان شهر تاریخی و پرشکوه شما، صور است که چنین ویران گشته؟ زمانی مردم صور به جاهای دور می‌رفتند تا سرزمینها را تصاحب کرده آنها را محل سکونت خود سازند.^{۲۳} چه کسی این مصیبت را بر سر این شهر سلطنتی که تجار و بازرگانانش در تمام جهان معروفند، آورده است؟^{۲۴} خداوند قادر متعال این کار را کرده تا غرور صور را بشکند و آنانی را که در جهان معروفند خوار سازد.

ای مردم ترشیش، سرزمین خود را مثل کناره‌های رود نیل حاصلخیز کنید، زیرا دیگر مانعی بر سر راه شما نیست.^{۲۵} خداوند دست خود را بر دریا دراز کرده ممالک دنیا را تکان می‌دهد. او دستور داده که شهرهای تجاری فنیقیه را ویران کنند.^{۲۶} ای مردم بلا دیده صیدون، شما دیگر از آسایش برخوردار نخواهید شد. اگر به قبرس نیز فرار کنید در آنجا راحت نخواهید بود.^{۲۷} به بابل نگاه کنید! ببینید چگونه مردم این سرزمین از بین رفتند! آشوریهایی بابل را محاصره کرده، کاخهایش را در هم کوبیدند و این سرزمین را با خاک یکسان کردند.^{۲۸} ای کشتی‌هایی که در دریا هستید زاری کنید، زیرا بندرگاه شما ویران شده است.

^{۲۹} صور مدت هفتاد سال، که طول عمر یک پادشاه است، به فراموشی سپرده خواهد شد. پس از آن هفتاد سال، صور مانند فاحشه آن سرودی خواهد بود که کلماتش چنین است:

«ای فاحشه فراموش شده،

چنگ را بدست بگیر و در شهر بگرد.

خوش بنواز و آوازهای بسیار بخوان،

فردا می‌میریم.»^{۳۰} خداوند قادر متعال به من گفته که این گناه شما تا به هنگام مرگ هرگز آرمزیده نخواهد شد. بلی، این را خداوند قادر متعال فرموده است.

^{۳۱} خداوند، خدای قادر متعال به من فرمود که نزد «شبننا» وزیر دربار بروم و به او چنین بگویم:^{۳۲} «تو در اینجا چه می‌کنی؟ چه کسی به تو اجازه داده در اینجا قبری برای خود بکنی؟ ای کسی که قبر خود را در این صخره بلند می‌تراشی،^{۳۳} هر مقامی که داشته باشی، خداوند تو را برمی‌دارد و دور می‌اندازد.^{۳۴} تو را مانند یک گوی بر می‌دارد و به سرزمینی دور پرتاب می‌کند. در آنجا تو در کنار عرابه‌هایت که به آنها افتخار می‌کردی خواهی مرد. تو مایه ننگ دربار هستی،^{۳۵} پس خداوند تو را از این مقام و منصبی که داری برکنار خواهد کرد.»

^{۳۶} خداوند به شبننا چنین می‌گوید: «در آن روز، خدمتگزار خود، الیاقیم، پسر حلقیا را بجای تو خواهم نشاند.^{۳۷} لباس تو را به او خواهم پوشاند و کمربندت را به کمرش خواهم بست و اقتدار تو را به او خواهم داد. او برای مردم اورشلیم و خاندان یهوذا پدر خواهد بود.^{۳۸} کلید دربار داود پادشاه را به او خواهم داد و او هردری را بگشاید کسی آن را نخواهد بست و هر دری را ببندد کسی آن را نخواهد گشود!^{۳۹} او را مانند میخی، محکم در جای خود خواهم کوبید و او مایه سربلندی خاندان خود خواهد شد.

^{۴۰} «اما تمام خاندان و فرزندان او مانند کاسه‌ها و کوزه‌هایی که بر میخ می‌آویزند بر او خواهند آویخت.^{۴۱} وقتی چنین شود آن میخی که محکم به دیوار کوبیده شده است، شل شده، خواهد افتاد و باری که بر آن است متلاشی خواهد شد.» این را خداوند قادر متعال فرموده است.

نبوت درباره فنیقیه

پیامی برای صور:

۳۳

ای کشتی‌های صور که از سرزمینهای دوردست باز می‌گردید، برای صور گریه کنید، زیرا چنان ویران شده که نه خانه‌ای و نه بندرگاهی برایش باقی مانده است! آنچه در قبرس در باره‌اش شنیدید حقیقت

تا مردم دوباره تو را بیاد آورند.»

^{۱۷}بلی، پس از گذشت آن هفتاد سال، خداوند اجازه خواهد داد صور دوباره رونق یابد و با مشتریان خود در تمام دنیا تجارت کند. ^{۱۸}اما سودی که عاید صور شود در خزانه او ذخیره نخواهد شد، بلکه وقف خداوند خواهد گردید تا به مصرف خوراک و پوشاک پیروان راه خداوند برسد.

خداوند زمین را ویران می‌کند

خداوند زمین را ویران و متروک خواهد کرد؛ **۲۴** پوسته‌اش را خراب کرده، ساکنانش را پراکنده خواهد ساخت. همه به یک سرنوشت دچار خواهند شد: کاهن و غیر کاهن، نوکر و ارباب، کنیز و خاتون، خریدار و فروشنده، قرض دهنده و قرض گیرنده، برنده و بازنده. ^۱زمین بکلی خالی و غارت خواهد شد. این را خداوند فرموده است.

^۲زمین خشک و پژمرده می‌شود و بلندیهای آن پست می‌گردد. مردم روی زمین از احکام و اوامر خدا سربلندی کرده، عهد جاودانی او را شکسته‌اند؛ بنابراین جهان دچار لعنت شده است. ساکنان آن تاوان گناهان خود را پس می‌دهند. زمین سوخته و عده کمی از مردم باقی مانده‌اند. ^۳محصول انگور کم شده و شراب نایاب گردیده است. آنانی که شاد بودند اکنون غمگینند. ^۴دیگر نوای دلنشین دف و چنگ شنیده نمی‌شود. آن روزهای خوش به سر آمده است. ^۵دیگر بزم می و مطرب وجود ندارد و شراب به کام نوشندگان تلخ است. ^۶در شهر هرج و مرج است و مردم در خانه خود را محکم می‌بندند تا کسی وارد نشود. ^۷در کوچه‌ها فریاد آنانی بگوش می‌رسد که به دنبال شراب می‌گردند. شادیهایی از بین رفته و خوشیهایی از روی زمین رخت بر بسته است. ^۸شهر ویران گشته و دروازه‌هایش شکسته شده و از بین رفته‌اند. ^۹در تمام ممالک دنیا این اتفاق خواهد افتاد. دنیا مانند درخت زیتونی خواهد بود که تکانیده شده باشد، و یا خوشه انگوری که میوه‌اش را چیده باشند.

^{۱۰}کسانی که باقی بمانند از شادی فریاد خواهند زد و آواز خواهند خواند. آنان که در غرب هستند بزرگی خداوند را خواهند ستود. ^{۱۱}و آنانی که در شرق هستند او را سپاس خواهند گفت. ساکنان جزایر نیز خداوند،

خداوند اسرائیل را پرستش خواهند کرد ^{۱۲}و از سرزمینهای دور دست صدای مردم را خواهیم شنید که در وصف خداوند عادل سرود می‌خوانند.

اما افسوس! افسوس که بدکاران و خیانت‌کاران به شرارت خود ادامه می‌دهند. این مرا غمگین و ناامید می‌کند. ^{۱۳}ای مردم دنیا بدانید که ترس و گودال و دام در انتظار شماست. ^{۱۴}اگر از ترس فرار کنید در گودال خواهید افتاد، و اگر از گودال بیرون بیایید در دام گرفتار خواهید شد. از آسمان بشدت باران خواهد بارید و اساس زمین تکان خواهد خورد. ^{۱۵}زمین در هم خواهد شکست و خرد شده، از هم خواهد پاشید. ^{۱۶}زمین مانند مستی است که افتان و خیزان راه می‌رود و مثل خیمه‌ای است که در برابر طوفان تکان می‌خورد. دنیا زیر بار گناهش خم شده و یک روز خواهد افتاد و دیگر بر نخواهد خاست.

^{۱۷}در آن روز، خداوند نیروهایی را که در آسمان هستند و قدرتمندانی را که بر زمین حکومت می‌کنند مجازات خواهد کرد. ^{۱۸}آنان مانند اسیرانی که در سیاهچال زندانی هستند نگاهداری خواهند شد تا روز محاکمه فرا رسد. ^{۱۹}ماه تاریک خواهد شد و خورشید دیگر نور نخواهد داد، زیرا خداوند قادر متعال سلطنت خواهد کرد. او بر کوه صهیون جلوس فرموده، در اورشلیم حکومت خواهد کرد و رهبران دنیا شکوه و جلال او را خواهند دید.

سپاسگزاری از خداوند

ای خداوند، تو را ستایش می‌کنم و نامت را **۲۵** گرامی می‌دارم، چون تو خدای من هستی. تو کارهای شگفت‌انگیز کرده‌ای و آنچه را که از قدیم اراده نموده‌ای در کمال درستی و امانت به انجام رسانیده‌ای. ^۲شهرها را با خاک یکسان کرده‌ای و قلعه‌های مستحکم را از بین برده‌ای. کاخهای دشمنان ما ویران شده‌اند و هرگز بنا نخواهند شد. ^۳بنابراین، قویترین قوم‌های جهان تو را خواهند پرستید و ظالمترین قوما از تو خواهند ترسید.

^۴ای خداوند، تو برای فقیران و بی‌کسان به هنگام سختی پناهگاه هستی، در برابر طوفان سر پناه، و در گرمای روز سایه. نفس ستمگران مانند سیلابی است

که به تو توکل دارند و در عزم خود راسخند در آرامش کامل نگاه خواهی داشت. همیشه بر خداوند توکل کنی؛ او جانپناه جاودانی ماست! خدا اشخاص مغرور را پست گردانیده و شهر مستحکم آنان را با خاک یکسان کرده است. کسانی که زیر ظلم و ستم بوده‌اند اینک پیروزمندانه بر خرابه‌های شهر قدم می‌گذارند و آن را لگدمال می‌کنند.

راه درستکاران راست است؛ پس ای خدای راستی راه ایشان را هموار ساز. ای خداوند، ما از خواست تو پیروی می‌کنیم و به تو امید بسته‌ایم؛ اشتیاق قلب ما تنها تو هستی. شب را در اشتیاق تو بسر می‌برم و هنگام سپیده دم تو را می‌طلبم. هنگامی که تو جهان را داوری کنی آنگاه مردم مفهوم عدالت را خواهند آموخت.

هر چند تو نسبت به گناهکاران رحیم هستی، اما آنان هرگز یاد نمی‌گیرند که خوبی کنند. آنان در این سرزمین خوبان به بدکاری خود ادامه می‌دهند و به جلال و عظمت تو توجه نمی‌کنند. دشمنانت نمی‌دانند که تو آنها را مجازات خواهی کرد. خداوند، آنها را مجازات کن و نشان بده که قومت را دوست داری. بگذار سرافکننده شوند؛ بگذار در آتش خشم تو بسوزند.

خداوند، می‌دانیم تو برای ما صلح و سلامتی به ارمغان خواهی آورد، زیرا تابحال هر موفقیتی که کسب کرده‌ایم، در واقع تو به ما عنایت فرموده‌ای. ای خداوند، اربابان بسیاری بر ما حکومت کرده‌اند، اما ارباب واقعی ما تو هستی و ما تنها تو را پرستش خواهیم کرد. آنان مردند و از بین رفتند و دیگر هرگز باز نمی‌گردند. تو آنها را به سزای اعمالشان رساندی و نابود کردی و نامشان را از خاطرها محو ساختی. ای خداوند، قوم خود را افزودی و مملکت ما را وسیع ساختی. این سبب شده است که تو معروف شوی و نامت بر سر زبانها بیافتد.

خداوند، تو قومت را تنبیه کردی و ایشان هنگام سختی، در خفا به درگاه تو دعا کردند. ای خداوند، ما در حضور تو مثل زن حامله‌ای هستیم که هنگام زاییدن درد می‌کشد و فریاد برمی‌آورد. هر چند

که بر دیوار گلی یورش می‌برد و همچون گرمایی است که زمین را می‌سوزاند. اما تو، ای خداوند، صدای دشمنان ما را خاموش کردی، و مانند ابری که گرمای روز را کاهش می‌دهد، سرود ستمگران را خاموش ساختی.

ضیافت خداوند

خداوند قادر متعال در اورشلیم، بر کوه صهیون، ضیافتی برای تمام قومهای جهان بر پا خواهد کرد و سفره‌ای رنگین با انواع غذاهای لذیذ و شرابه‌های کهنه گوارا خواهد گستراند. در آنجا او ابر تیره را که بر تمام مردم دنیا سایه افکنده است کنار خواهد زد و مرگ را برای همیشه نابود خواهد کرد. خداوند اشکها را از چشمها پاک خواهد کرد و ننگ قوم خود را از روی تمام زمین برخواهد داشت. این را خداوند فرموده است.

در آن روز، مردم خواهند گفت: «این همان خدای ماست که بر او امید بسته بودیم. این همان خداوند ماست که منتظرش بودیم. اینک او ما را نجات داده است، پس بیایید برای این نجات شاد و مسرور باشیم.»

خداوند مواب را مجازات خواهد کرد

دست خداوند کوه صهیون را حفظ خواهد کرد، اما مردم مواب زیر پای او له خواهند شد همانگونه که کاه در گنداب له می‌شود. آنها دستهای خود را مثل شناگران، با مهارت باز خواهند کرد تا شنا کنند، اما خدا دستهایشان را سست خواهد کرد و غرور آنها را در هم خواهد شکست. او قلعه‌های مواب را با حصارهای بلندشان در هم کوبیده، بر زمین خواهد ریخت و با خاک یکسان خواهد کرد.

سرود ستایش

در آن روز، این سرود در سرزمین یهودا خوانده خواهد شد:

۲۶

شهر ما قوی و محکم است و خدا با حصار نجاتبخش خود ما را حفظ می‌کند. دروازه‌ها را بکشاید تا قوم عادل و با ایمان وارد شوند. ای خداوند، تو کسانی را

کرد گویی باد شرقی وزید و آنان را با خود برد. او این کار را کرد تا گناه قوم اسرائیل را کفاره کند و آنها را از هر چه بت و بتکده هست پاک سازد و قوم اسرائیل دیگر بتها را نپرستند.

^{۱۱} شهرهای مستحکم اسرائیل خالی از سکنه شده و مانند بیابان متروک گردیده‌اند. در آنجا گاوها می‌چرند و شاخ و برگ درختان را می‌خورند. ^{۱۱} شاخه‌های درختان خشک شده، می‌افتند و زنها آنها را جمع کرده، در اجاق می‌سوزانند. خدا بر این قوم رحم و شفقت نمی‌کند، زیرا خالق خود را نمی‌شناسند.

^{۱۲} اما زمانی خواهد رسید که خداوند مانند کسی که خوشه‌های گندم را دانه‌دانه برمی‌چیند و از پوستش جدا می‌کند، بنی‌اسرائیل را از رود فرات تا مرز مصر جمع خواهد کرد. ^{۱۳} در آن روز، شیپور بزرگ نواخته خواهد شد و بسیاری از قوم یهود که به آشور و مصر تبعید شده‌اند باز خواهند گشت و خداوند را در اورشلیم بر کوه مقدسش پرستش خواهند کرد.

اخطار به اسرائیل

وای بر سامره! وای بر این شهری که با دره‌های حاصلخیز احاطه شده و مایه افتخار میگساران اسرائیل است! شراب، رهبران اسرائیل را از پای درآورده است. جلال اسرائیل که همانند تاج گلی بر سر رهبرانش بود، در حال پژمردن است. ^{۲۸} خداوند کسی را دارد که زورآور و توانا است. خداوند او را مانند تگرگ شدید و طوفان مهلک و سیلاب خروشان بر سرزمین اسرائیل می‌فرستد تا آن را فرا بگیرد. ^{۲۹} آنگاه شهری که مایه افتخار میگساران اسرائیل است زیر پاها پایمال خواهد شد. ^{۳۰} شکوه و زیبایی دره‌های حاصلخیز آن ناگهان از بین خواهد رفت درست مانند نوبر انجیر که به محض دیده شدن بر سر شاخه‌ها، چیده و خورده می‌شود.

^{۳۱} روزی خواهد آمد که خداوند قادر متعال، خود برای بازماندگان قومش تاج جلال و زیبایی خواهد بود. ^{۳۲} او به قضات توانایی تشخیص خواهد بخشید و به سربازان قدرت خواهد داد تا از دروازه‌های شهر دفاع کنند.

حامله شده، درد کشیدیم، ولی چیزی نزیایدیم و نتوانستیم برای ساکنان زمین نجات به ارمغان آوریم.

^{۱۹} اما مردگان قوم تو زنده شده، از خاک بر خواهند خاست؛ زیرا شب‌نم تو بر بدنهای ایشان خواهد نشست و به آنها حیات خواهد بخشید. کسانی که در خاک زمین خفته‌اند بیدار شده، سرود شادمانی سر خواهند داد.

مجازات و رستگاری اسرائیل

^{۲۰} ای قوم من، به خانه‌های خود بروید و درها را پشت سر خود ببندید. مدت کوتاهی خود را پنهان کنید تا غضب خدا بگذرد. ^{۲۱} زیرا خداوند از آسمان می‌آید تا مردم دنیا را بسبب گناهانشان مجازات کند. زمین تمام خونهای ریخته شده را آشکار خواهد ساخت و دیگر اجساد کشته‌شدگان را در خود پنهان نخواهد کرد.

۲۷ در آن روز، خداوند با شمشیر بسیار تیز و برنده خود، «لویاتان» را که ماری تیزرو و پیچنده است به سزای اعمالش خواهد رساند و آن اژدها را که در دریاست خواهد کشت.*

^۲ در آن روز، خداوند دربارهٔ تاختستان پربار خود خواهد گفت:

^۳ «من از این تاختستان مراقبت می‌نمایم و مرتب آن را آبیاری می‌کنم. روز و شب مواظب هستم تا کسی به آن آسیبی نرساند. ^۴ دیگر بر تاختستان خود خشمگین نیستم. اگر ببینم خارها مزاحمش هستند، آنها را یکجا آتش خواهم زد، مگر اینکه این دشمنان قوم من تسلیم شوند و از من تقاضای صلح کنند.»

^۵ زمانی خواهد رسید که اسرائیل ریشه خواهد زد، غنچه و شکوفه خواهد آورد و دنیا را از میوه پر خواهد ساخت.

^۶ خداوند به اندازه‌ای که دشمنان قوم اسرائیل را تنبیه کرده است این قوم را تنبیه نکرده است. او برای مجازات اسرائیل، آنها را از سرزمینشان به دیار دور تبعید

* در این آیه منظور از «لویاتان» و «اژدها» دشمنان قوم اسرائیل هستند که بر این قوم ظلم می‌کردند.

بسترش کوتاهتر از آنست که بر آن دراز بکشد و لحافش تنگتر از آنکه او را بپوشاند.^{۱۱} خداوند با خشم و غضب خواهد آمد تا کارهای شگفت‌انگیز خود را به انجام رساند همانگونه که در کوه فراصیم و دره جبعون این کار را کرد.^{۱۲} پس، از تمسخر دست بردارید مبادا مجازات شما سنگینتر شود، زیرا خداوند، خدای قادر متعال به من گفته که قصد دارد تمام زمین را نابود کند.

حکمت خداوند

^{۱۳} بمن گوش کنید! به سخنان من توجه کنید!^{۱۴} یک کشاورز تمام وقت خود را صرف شخم زدن زمین نمی‌کند. او می‌داند کی باید آن را آماده کند تا در آن تخم بکارد. می‌داند تخم گشنیز و زیره را کجا بپاشد و بذر گندم و جو و ذرت را کجا بکارد.^{۱۵} او می‌داند چه کند زیرا خدایش به او یاد داده است.^{۱۶} او هرگز برای کوبیدن گشنیز و زیره از خرمن‌کوب استفاده نمی‌کند، بلکه با چوب آنها را می‌کوبد.^{۱۷} برای تهیه آرد، او می‌داند چه مدت باید گندم را خرمنکوبی کند و چگونه چرخ عرابه خود را بر آن بگرداند بدون اینکه اسبان عرابه، گندم را له کنند.^{۱۸} تمام این دانش از خداوند قادر متعال که رأی و حکمتش عجیب و عظیم است صادر می‌گردد.

سرنوشت اورشلیم

وای بر تو ای اورشلیم، ای شهر داود! هر سال قربانی‌های زیاده‌تری به خدا تقدیم می‌کنی،^{۱۹} ولی خدا تو را سخت مجازات خواهد کرد و تو را که به «قربانگاه خدا» معروف هستی به قربانگاهی پوشیده از خون تبدیل خواهد کرد. او از هر طرف تو را محاصره کرده، بر تو یورش خواهد برد.^{۲۰} تو سقوط خواهی کرد و ناله‌ات مانند صدای ارواح مردگان، از زیر خاک بزحمت شنیده خواهد شد.^{۲۱} اما دشمنان تو نیز خرد خواهند شد و کسانی که بر تو ظلم می‌کردند همچون کاه در برابر باد، رانده و پراکنده خواهند شد. در یک چشم بهم زدن خداوند قادر متعال با رعد و زلزله و صدای مهیب، با گردباد و طوفان و شعله آتش به کمک تو خواهد شتافت^{۲۲} و

اما اینک اشخاص مست اورشلیم را اداره می‌کنند! حتی کاهنان و انبیا نیز مستند؛ شراب ایشان را چنان مست و گیج کرده که قادر نیستند پیامهای خدا را دریابند و آنها را به مردم رسانده، آنان را ارشاد کنند.^{۲۳} سفره‌هایشان پر از استفراغ و کثافت است و هیچ جای پاکیزه‌ای دیده نمی‌شود.

آنها می‌گویند: «اشعیا به چه کسی تعلیم می‌دهد؟ چه کسی به تعلیم او احتیاج دارد؟ تعلیم او فقط برای بچه‌ها خوب است!»^{۲۴} او هر مطلبی را بارها برای ما تکرار می‌کند و کلمه به کلمه توضیح می‌دهد.

^{۲۵} چون مردم به این تعلیم گوش نمی‌دهند، خدا قوم بیگانه‌ای را خواهد فرستاد تا به زبان بیگانه به آنها درس عبرت بدهند!^{۲۶} خدا می‌خواست به ایشان آرامش و امنیت ببخشد، اما ایشان نخواستند از او اطاعت کنند.^{۲۷} پس خداوند هر مطلبی را بارها برای ایشان تکرار خواهد کرد و کلمه به کلمه توضیح خواهد داد. این قوم افتاده، خرد خواهند شد و در دام خواهند افتاد و سرانجام اسیر خواهند شد.

^{۲۸} پس ای حکمرانان اورشلیم که همه چیز را به باد مسخره می‌گیرید، به آنچه خداوند می‌فرماید توجه کنید.^{۲۹} شما می‌گویید که با مرگ معامله کرده‌اید و با دنیای مردگان قرارداد بسته‌اید. اطمینان دارید که هرگاه مصیبتی رخ دهد هیچ گزندی به شما نخواهد رسید؛ اما بدانید که این اطمینان باطل است و شما خود را فریب می‌دهید.^{۳۰} اینک خداوند چنین می‌فرماید: «من یک سنگ زیر بنا در صهیون می‌گذارم یک سنگ گرانبها، یک سنگ آزموده شده، یک اساس محکم؛ هر که بر آن اطمینان کند مضطرب نخواهد شد.^{۳۱} انصاف، ریسمان آن و عدالت، شاقول آن خواهد بود.»

بارش تگرگ پناهگاه شما را که بر دروغ استوار است ویران خواهد کرد و سیل مخفیگاه شما را خواهد برد.^{۳۲} قراردادی که با مرگ و دنیای مردگان بسته‌اید باطل خواهد شد، بنابراین وقتی مصیبت بیاید شما را از پای درمی‌آورد.^{۳۳} مصیبت روز و شب بسراغتان خواهد آمد و شما را گرفتار خواهد کرد. هر بار که پیامی از خدا بشنوید وحشت سراپایتان را فرا خواهد گرفت.^{۳۴} شما مانند کسی خواهید بود که می‌خواهد بخوابد اما

تمام سپاهیان دشمن را که تو را محاصره و مورد یورش خود قرار داده‌اند و با تو می‌جنگند مثل خواب و رؤیای شبانه محو و نابود خواهد کرد.^۸ ای اورشلیم، آنانی که با تو جنگ می‌کنند مانند شخص گرسنه‌ای خواهند بود که خواب می‌بیند که خوراک می‌خورد، اما وقتی بیدار می‌شود هنوز گرسنه است، و یا شخص تشنه‌ای که در خواب می‌بیند که آب می‌نوشد، اما وقتی بیدار می‌شود عطش او همچنان باقی است. ای شکاکان، در حیرت و کوری خود باقی بمانید! شما مست هستید اما نه از میگساری، سرگیجه گرفته‌اید اما نه از شرابخواری!^۹ خداوند خواب سنگینی به شما داده است. او چشمان انبیای شما را بسته است،^{۱۱} آنگونه که رؤیایا و الهامهایی را که داده می‌شود نمی‌توانند ببینند. این رؤیایا برای ایشان مانند طوماری است مهر و موم شده که اگر آن را بدست کسی که خواندن می‌داند بدهید، می‌گوید: «نمی‌توانم بخوانم چون مهر و موم شده است»،^{۱۲} و اگر به کسی بدهید که خواندن نمی‌داند او نیز می‌گوید: «نمی‌توانم بخوانم چون خواندن نمی‌دانم.»^{۱۳}

خداوند می‌فرماید: «این قوم با زبان خود مرا می‌پرستند، ولی دلشان از من دور است. پرستش ایشان مراسمی است تو خالی و انسانی.^{۱۴} پس با ضربات غیر منتظره خود، این قوم را به حیرت خواهم انداخت. حکمت حکیمان ایشان نابود خواهد شد و فهم فهیمان ایشان از بین خواهد رفت.»^{۱۵}

وای بر آنانی که کوشش می‌کنند نقشه‌های خود را از خداوند پنهان کنند. آنان نقشه‌های خود را در تاریکی به اجرا می‌گذارند و می‌گویند: «چه کسی می‌تواند ما را ببیند؟ چه کسی می‌تواند ما را بشناسد؟»^{۱۶} آنان در اشتباه هستند و فرقی بین کوزه و کوزه‌گر قائل نیستند. آیا مصنوع به صانع خود می‌گوید: «تو مرا نساخته‌ای؟»^{۱۷}

و یا به او می‌گوید: «تو نمی‌دانی چه می‌کنی؟»^{۱۸} پس از مدت کوتاهی لبنان دو باره به بوستان پر ثمر و جنگل پر درخت تبدیل خواهد شد.^{۱۹} در آن روز، کران کلمات کتابی را که خوانده شود خواهند شنید و

کوران که در تاریکی زندگی کرده‌اند با چشمانشان خواهند دید.^{۱۹} بار دیگر فقیران و فروتنان وجد و شادی خود را در خداوند، خدای قدوس اسرائیل، باز

عهد یهودا با مصر

خداوند می‌فرماید: «وای بر فرزندان یاعی من! آنان با هرکسی مشورت می‌کنند جز با من. برخلاف میل من پیمانها می‌بندند و بدین ترتیب بر گناهان خود می‌افزایند. آنان بی‌آنکه با من مشورت کنند به مصر می‌روند تا از فرعون کمک بگیرند، زیرا بر قدرت او امید بسته‌اند. ولی امید بستن بر قدرت پادشاه مصر جز نومیدی و رسوایی سودی نخواهد داشت.^{۲۰} هر چند تسلط فرعون تا شهرهای صوعن و حانیس می‌رسد، اما او هیچ کمکی به مردم یهودا نخواهد کرد و سودی به ایشان نخواهد رسانید. ایشان از اینکه بر مصریان اعتماد کرده‌اند پشیمان خواهند شد.^{۲۱}

«ببینید چگونه گنجهایشان را بار الاغها و شتران کرده، بطرف مصر در حرکتند! ایشان از میان بیابانهای هولناک و خطرناک که پر از شیرهای درنده و مارهای سمی است می‌گذرند تا نزد قومی برسند که هیچ کمکی به ایشان نخواهد کرد. کمک مصر بیهوده و بی‌فایده است؛ به همین دلیل است که مصر را از دهای بی‌خاصیت لقب داده‌ام.»^{۲۲}

خداوند به من گفت که تمام اینها را در طوماری بنویسم و ثبت کنم تا برای آیندگان سندی ابدی باشد از یاغیگری این قوم. زیرا قوم اسرائیل قومی یاعی

راست یا چپ بروید، از پشت سر خود صدای او را خواهید شنید که می‌گوید: «راه این است، از این راه بروید.»^{۲۲} همهٔ بتهای خود را که با روکش نقره و طلا پوشیده شده‌اند مانند اشیاء کثیف بیرون خواهید ریخت و از خود دور خواهید کرد.

^{۲۳} آنگاه خدا به هنگام کشت به شما باران خواهد بخشید تا محصول برابر و فراوان داشته باشید. رمه‌هایتان در چراگاه‌های سرسبز خواهند چرید^{۲۴} و الاغها و گاوهایتان که زمین را شخم می‌زنند از بهترین علوفه تغذیه خواهند کرد.^{۲۵} در آن روز، برجهای دشمنانتان فرو خواهد ریخت و خودشان نیز کشته خواهند شد، اما برای شما از هر کوه و تپه‌ای چشمه‌ها و جویهای آب جاری خواهد گشت.^{۲۶} ماه مثل آفتاب روشنایی خواهد داد و آفتاب هفت برابر روشتر از همیشه خواهد تابید. همهٔ اینها هنگامی روی خواهد داد که خداوند قوم خود را که مجروح کرده، شفا دهد و زخم‌هایشان را ببندد!

مجازات آشور

^{۲۷} اینک خداوند از جای دور می‌آید! خشم او شعله‌ور است و دود غلیظی او را احاطه کرده است. او سخن می‌گوید و کلماتش مثل آتش می‌سوزاند.^{۲۸} نفس دهان او مانند سیل خروشان است که هر چه سر راهش باشد با خود می‌برد. او قومها را غربال کرده، از بین خواهد برد و به مقاصد شوم آنها خاتمه خواهد داد.^{۲۹} اما شما ای قوم خدا با شادی سرود خواهید خواند، درست مانند وقتی که در جشنهای مقدس می‌خوانید، و شادمان خواهید شد درست همانند کسانی که روانه می‌شوند تا با آهنگ نی بسوی خانهٔ خداوند که پناهگاه اسرائیل است پیش بروند.

^{۳۰} خداوند صدای پرجلال خود را به گوش مردم خواهد رساند و مردم قدرت و شدت غضب او را در شعله‌های سوزان و طوفان و سیل و تگرگ مشاهده خواهند کرد.^{۳۱} با شنیده شدن صدای خداوند نیروی آشور ضربه خورده، در هم خواهد شکست.^{۳۲} همزمان با ضرباتی که خداوند در جنگ با آشوریه‌ها بر آنان وارد می‌آورد قوم خدا با ساز و آواز به شادی خواهند پرداخت!^{۳۳} از مدتها پیش محلی عمیق و وسیع برای

هستند و نمی‌خواهند از قوانین خداوند اطاعت کنند.^{۱۰} آنها به انبیا می‌گویند: «برای ما نبوت نکنید و حقیقت را نگویند. سخنان دلپذیر به ما بگویید و رؤیاهای شیرین برای ما تعریف کنید.»^{۱۱} نمی‌خواهیم دربارهٔ خدای قدوس اسرائیل چیزی بشنویم. پس راه و رسم او را به ما تعلیم ندهید.»

^{۱۲} اما پاسخ خدای قدوس اسرائیل این است:

«شما به پیام من اعتنا نمی‌کنید، بلکه به ظلم و دروغ تکیه می‌کنید.^{۱۳} پس بدانید که این گناهتان باعث نابودی شما خواهد شد. شما مانند دیوار بلندی هستید که در آن شکاف ایجاد شده و هر لحظه ممکن است فرو ریزد. این دیوار ناگهان فرو خواهد ریخت و درهم خواهد شکست،^{۱۴} و شکستگی آن مانند شکستگی کوزه‌ای خواهد بود که ناگهان از دست کوزه‌گر می‌افتد و چنان می‌شکند و خرد می‌شود که نمی‌توان از تکه‌های آن حتی برای گرفتن آتش از آتشدان و یا برداشتن آب از حوض استفاده کرد.»

^{۱۵} خداوند، خدای قدوس اسرائیل چنین می‌فرماید: «بسوی من بازگشت کنید و با خیالی آسوده به من اعتماد کنید، تا نجات یابید و قدرت کسب کنید.» اما شما این کار را نمی‌کنید،^{۱۶} بلکه در این فکر هستید که بر اسبان تیزرو سوار شده، از چنگ دشمن فرار کنید. البته شما به اجبار فرار خواهید کرد اما اسبان تعقیب‌کنندگان تیزروتر از اسبان شما خواهند بود.^{۱۷} یک نفر از آنان هزار نفر از شما را فراری خواهد داد و پنج نفر از آنان همهٔ شما را تارومار خواهند کرد بطوری که از تمام لشکر شما جز یک پرچم بر نوک تپه، چیزی باقی نماند.^{۱۸} با این حال، خداوند هنوز منتظر است تا بسوی او بازگشت نمایید. او می‌خواهد بر شما رحم کند، چون خدای با انصافی است. خوشبخت‌حال کسانی که به او اعتماد می‌کنند.

^{۱۹} ای قوم اسرائیل که در اورشلیم زندگی می‌کنید، شما دیگر گریه نخواهید کرد، زیرا خداوند دعای شما را خواهد شنید و به یاری شما خواهد آمد.^{۲۰} خداوند شما را از سختیها و مشکلات عبور خواهد داد، اما او خودش با شما خواهد بود و شما را تعلیم خواهد داد و خود را از شما پنهان نخواهد کرد.^{۲۱} هرگاه بطرف

پادشاه عادل

زمانی خواهد رسید که پادشاهی عادل بر تخت سلطنت خواهد نشست و رهبرانی با انصاف مملکت را اداره خواهند کرد. ^{۳۲} هر یک از آنان پناهگاهی در برابر باد و طوفان خواهد بود. آنان مانند جوی آب در بیابان خشک، و مثل سایه خنک یک صخره بزرگ در زمین بی آب و علف خواهند بود؛ ^۳ و چشم و گوش خود را نسبت به نیازهای مردم باز نگه خواهند داشت. ^۴ آنان بی حوصله نخواهند بود بلکه با فهم و متانت با مردم سخن خواهند گفت.

در آن زمان، افراد پست و خسیس دیگر سخاوتمند و نجیب خوانده نخواهند شد. ^۵ هر که شخص بدکاری را ببیند، او را خواهد شناخت و کسی فریب آدمهای ریاکار را نخواهد خورد؛ بر همه آشکار خواهد شد که سخنان آنان در مورد خداوند دروغ بوده و آنان هرگز به گرسنگان کمک نکرده‌اند. ^۶ نیرنگ و چاپلوسی اشخاص شرور و دروغهایی که آنان برای پایمال کردن حق فقیران در دادگاه می‌گویند، افشا خواهد گردید. ^۷ اما اشخاص خوب در حق دیگران یخشنده و باگذشت خواهند بود و خدا ایشان را بخاطر کارهای خوبشان برکت خواهد داد.

مجازات و احیای اسرائیل

ای زنانی که راحت و آسوده زندگی می‌کنید، به من گوش دهید. ^۱ شما که الان بی غم هستید، سال دیگر همین موقع پریشان حال خواهید شد، زیرا محصول انگور و سایر میوه‌هایتان از بین خواهد رفت. ^۲ ای زنان آسوده خیال، بترسید و بلرزید، لباس‌های خود را از تن درآورید و رخت عزا بپوشید ^۳ و ماتم بگیرید، زیرا مزرعه‌های پر محصولتان بزودی از دست می‌رود و باغهای بارور انگورتان نابود می‌شود. ^۴ بلی، ای قوم من، برای خانه‌های شادتان و برای شهر پر افتخارتان گریه کنید، زیرا سرزمین شما پوشیده از خار و خس خواهد شد. ^۵ کاکهایتان ویران و شهرهای پر جمعیت‌تان خالی از سکنه خواهد شد. برجهای دیده‌بانتان خراب خواهد شد و حیوانات وحشی و گورخران و گوسفندان در آنجا خواهند چرید.

سوزاندن مولک، خدای آشور آماده شده است. در آنجا هیزم فراوان روی هم انباشته شده و نفس خداوند همچون آتش آتشفشان بر آن دمیده، آن را به آتش خواهد کشید.

حمایت خدا از اورشلیم

وای بر کسانی که برای گرفتن کمک به مصر ^{۳۱} روی می‌آورند و بجای اینکه به خدای قدوس اسرائیل چشم امید داشته باشند و از او کمک بخواهند، بر سربازان قوی و عرابه‌های بیشمار مصر توکل می‌کنند. ^۱ خداوند نیز می‌داند چه کند. او از تصمیم خود بر نمی‌گردد و بر کسانی که بدی می‌کنند و با بدکاران همدست می‌شوند، بلا می‌فرستد. ^۲ مصریها انسانند، و نه خدا! اسبان ایشان نیز جسمند و نه روح! هنگامی که خداوند دست خود را برای مجازات بلند کند، هم مصریها و هم کسانی که از مصر کمک می‌جویند، خواهند افتاد و هلاک خواهند شد.

^۳ خداوند به من فرمود: «وقتی شیر، گوسفندی را می‌درد، و بی آنکه از داد و فریاد چوپانان بترسد مشغول خوردن شکار خود می‌شود؛ همینگونه من نیز که خداوند قادر متعال هستم برای دفاع از کوه صهیون خواهم آمد و از کسی نخواهم ترسید. مانند پرنده‌ای که در اطراف آشیانه خود پر می‌زند تا از جوجه‌هایش حمایت کند، من نیز از اورشلیم حمایت خواهم کرد و آن را نجات خواهم داد.»

^۴ خدا می‌فرماید: «ای بنی اسرائیل، شما نسبت به من گناهان زیادی مرتکب شده‌اید، اما الان بسوی من برگردید! روزی خواهد آمد که همه شما بتهای طلا و نقره را که با دستهای گناه‌آلود خود ساخته‌اید، دور خواهید ریخت. ^۵ در آن روز آشوریها هلاک خواهند شد، ولی نه با شمشیر انسان، بلکه با شمشیر خدا. سپاه آنان تارومار خواهد شد و جوانانشان اسیر خواهند گردید. ^۶ فرماندهان آشور وقتی پرچم جنگ اسرائیل را ببینند از ترس خواهند لرزید و فرار خواهند کرد.» این را خداوند می‌فرماید خداوندی که آتشش بر قربانگاه اورشلیم روشن است.

اسرائیل از بین رفته، لبنان نابود شده، شارون به بیابان تبدیل گشته و برگهای درختان باشان و کرمل ریخته است.

اخطار خداوند به دشمنان

اما خداوند می‌فرماید: «برمی‌خیزم و قدرت و توانایی خود را نشان می‌دهم! ای آشوریها، هر چه تلاش کنید سودی نخواهد داشت. نفس خودتان به آتش تبدیل شده، شما را خواهد کشت. سپاهیان شما مثل خارهایی که در آتش انداخته می‌شوند، سوخته و خاکستر خواهند شد. ای قومهایی که دور هستید، به آنچه کرده‌ام توجه کنید؛ و ای قومهایی که نزدیک هستید، به قدرت من پی

ببرید.»

گناهکاران و خدانشناسانی که در اورشلیم هستند از ترس می‌لرزند و فریاد برمی‌آورند: «کدام یک از ما می‌تواند از آتش سوزان و دایمی مجازات خدا جان سالم بدر برد؟» کسی می‌تواند از این آتش جان سالم بدر برد که درستکار باشد و به راستی عمل نماید، بخاطر منافع خود ظلم نکند، رشوه نگیرد، و با کسانی که شرارت و جنایت می‌کنند همدست نشود. چنین اشخاص در امنیت بسر خواهند برد و صخره‌های مستحکم، پناهگاه ایشان خواهد بود.

آینده پر جلال

بار دیگر چشمان شما پادشاه‌تان را در شکوه و زیبایی‌اش خواهد دید و سرزمین وسیعی را که او بر آن سلطنت می‌کند مشاهده خواهد کرد. در آن زمان به روزهای ترسناکی که در گذشته داشتید فکر خواهید کرد روزهایی که سرداران آشور برجهای شما را می‌شمرند تا ببینند چقدر غنیمت می‌توانند از شما بدست آورند. ولی آن روزها گذشته است و از آن اجنبیان ستمگری که زبانشان را نمی‌فهمیدید دیگر اثری نیست. به اورشلیم، این شهر جشنهای مقدس نگاه کنید و ببینید چگونه در صلح و امنیت به سر می‌برد! اورشلیم محکم و پابرجا خواهد بود درست مانند خیمه‌ای که می‌خپایش کنده نمی‌شود و طنابهایش پاره نمی‌گردد. خداوند پر جلال ما را همچون

اما یکبار دیگر، خدا روح خود را از آسمان بر ما خواهد ریخت. آنگاه بیابان به بوستان تبدیل خواهد شد و بوستان به جنگل. در سرزمین ما عدالت و انصاف برقرار خواهد گردید^{۱۷} و ما از صلح و آرامش و اطمینان و امنیت همیشگی برخوردار خواهیم شد. قوم خدا در کمال امنیت و آسایش در خانه‌هایشان زندگی خواهند کرد، اما آشوریها نابود شده، خانه‌هایشان با خاک یکسان خواهد گردید. بلی، خدا قوم خود را برکت خواهد داد آنگونه که به هنگام کشت زمین، محصول فراوان خواهد رویید و گله‌ها و رمه‌هایشان در چراگاه‌های سبز و خرم خواهند چرید.

دعای کمک

۳۳
وای بر شما ای آشوریها که همه را غارت می‌کنید و پیمانهای را که با قوم‌های دیگر بسته‌اید زیر پا می‌گذارید. بزودی این غارت و خیانت شما پایان خواهد یافت و آنگاه خود شما مورد غارت و خیانت واقع خواهید شد.

ای خداوند، بر ما رحم کن، زیرا چشم امید ما به توست. هر بامداد به ما قدرت عطا کن و ما را از سختی نجات ده. دشمن وقتی صدایت را بشنود خواهد گریخت؛ زمانی که تو برخیزی قوم‌ها پراکنده خواهند شد. اموال دشمنان ما، مانند مزرعه‌ای که مورد هجوم ملخ واقع شده باشد، غارت خواهد گردید. خداوند بزرگ و والا است و بر همه چیز تسلط دارد. او اورشلیم را از عدل و انصاف پر خواهد ساخت^{۱۸} و به قوم یهودا استحکام خواهد بخشید. او همیشه از قوم خود حمایت می‌کند و به ایشان حکمت و بصیرت می‌بخشد. خداترسی گنج بزرگ ایشان است!

اما در حال حاضر فرستادگان قوم یهودا از شدت ناامیدی گریانند، زیرا آشور تقاضای ایشان را برای صلح نپذیرفته است. شاهراه‌های یهودا خراب شده و دیگر اثری از مسافران نیست. آشوریها پیمان صلح را زیر پا نهاده‌اند* و به وعده‌هایی که در حضور گواهان داده‌اند توجهی ندارند؛ آنها به هیچکس اعتنا نمی‌کنند. سرزمین

* نکه کنیده به دوم پادشاهان ۱۸: ۱۴-۱۷.

رودخانه‌ای وسیع محافظت خواهد کرد تا هیچ دشمنی نتواند از آن عبور کرده، به ما بورش برد! ^{۳۲} خداوند پادشاه و رهبر ماست؛ او از ما مراقبت خواهد کرد و ما را نجات خواهد داد. ^{۳۳} طناب کشتی‌های دشمن سست خواهد شد و پایه‌های دکل را نگه نخواهد داشت و افراد دشمن نخواهند توانست بادبانها را بکشند. ما تمام غنایم دشمن را به چنگ خواهیم آورد؛ حتی لنگان نیز سهمی از این غنایم خواهند برد. ^{۳۴} هر که در سرزمین ما باشد دیگر نخواهد گفت: «بیمار هستیم»؛ و تمام گناهان ساکنان این سرزمین بخشیده خواهد شد.

خدا دشمنانش را مجازات می‌کند

۳۴ ای قوم‌های روی زمین نزدیک آید و به این پیام گوش دهید. ای مردم دنیا، سخنان مرا بشنوید: ^{۳۵} خداوند بر تمام قوم‌ها و سپاهانشان خشمگین است. او آنها را به مرگ محکوم کرده است و آنها را خواهد کشت. ^{۳۶} جنازه‌های آنان دفن نخواهد شد و بوی تعفن آنها زمین را پر خواهد ساخت و خون ایشان از کوه‌ها جاری خواهد گردید. ^{۳۷} خورشید و ماه نابود خواهند شد و آسمان مثل طوماری بهم خواهد پیچید. ستارگان مانند برگ مو و همچون میوه‌های رسیده که از درخت می‌افتند، فرو خواهند ریخت.

^{۳۸} خداوند شمشیر خود را در آسمان آماده کرده است تا بر قوم ادوم که مورد غضب او هستند، فرود آورد. ^{۳۹} شمشیر خداوند از خون آنها پوشیده خواهد شد و آنها را مانند بره و بزغاله ذبحی، سر خواهد برید. بلی، خداوند در سرزمین ادوم قربانگاه بزرگی ترتیب خواهد داد و کشتار عظیمی به راه خواهد انداخت. ^{۴۰} نیرومندان هلاک خواهند شد، جوانان و اشخاص کارآموده از بین خواهند رفت. زمین از خون سیراب و خاک از پیه حاصلخیز خواهد گردید. ^{۴۱} زیرا آن روز، روز انتقام گرفتن از ادوم است و سال تلافی کردن ظلم‌هایی که به اسرائیل کرده است. ^{۴۲} نهرهای ادوم پر از قیر گداخته و زمین آن از آتش پوشیده خواهد شد. ^{۴۳} ادوم روز و شب خواهد سوخت و تا ابد دود از آن برخواهد خاست؛ نسل اندر نسل، ویران خواهد ماند و دیگر کسی در آنجا زندگی نخواهد کرد، ^{۴۴} جغدها و کلاغها آن سرزمین را

اشغال خواهند نمود؛ زیرا خداوند ادوم را به نابودی محکوم کرده است. ^{۴۵} از طبقه اشراف کسی باقی نخواهد ماند تا بتواند پادشاه شود. تمام رهبرانش از بین خواهند رفت. ^{۴۶} قصرها و قلعه‌های پوشیده از خار خواهد شد و شغالها و شترمرغها در آنجا لانه خواهند کرد. ^{۴۷} حیوانات وحشی در ادوم گردش خواهند کرد و زوزه آنها در شب، همه جا خواهد پیچید. هیولاهای شب بر سر یکدیگر فریاد خواهند زد و گولها برای استراحت به آنجا خواهند رفت. ^{۴۸} در آنجا جغدها آشیانه خواهند کرد، تخم خواهند گذاشت، جوجه‌هایشان را از تخم بیرون خواهند آورد و آنها را زیر بال و پر خود پرورش خواهند داد. لاشخورها با جفت‌های خود در آنجا جمع خواهند شد.

^{۴۹} کتاب خداوند را مطالعه و بررسی کنید و از آنچه که او انجام خواهد داد آگاه شوید. تمام جزئیات این کتاب واقع خواهد شد. هیچ لاشخوری بدون جفت در آن سرزمین نخواهد بود خداوند این را فرموده است و روح او به آن جامه عمل خواهد پوشاند. ^{۵۰} خداوند این سرزمین را پیموده و تقسیم کرده و آن را به این جانوران واگذار نموده است تا برای همیشه، نسل اندر نسل در آن زندگی کنند.

شادی نجات یافتگان

۳۵ بیابان به وجد خواهد آمد، صحرا پر از گل خواهد شد ^{۳۶} و سرود و شادی همه جا را پر خواهد ساخت. بیابانها مانند کوه‌های لبنان سبز و خرم خواهند شد و صحراها همچون چراگاههای کرمل و چمنزارهای شارون حاصلخیز خواهند گردید. خداوند شکوه و زیبایی خود را نمایان خواهد ساخت و همه آن را خواهند دید.

^{۳۷} مردم دلسرد و مأیوس را با این خبر شاد کنید. ^{۳۸} به آنانی که می‌ترسند، قوت قلب دهید و بگویید: «دلیر باشید و نترسید، زیرا خدای شما می‌آید تا از دشمنانتان انتقام بگیرد و آنها را به سزای اعمالشان برساند.» ^{۳۹} وقتی او بیاید چشمهای کوران را بینا و گوشهای کوران را شنوا خواهد ساخت. ^{۴۰} لنگ مانند آهو جست و خیز خواهد کرد و لال سرود خواهد خواند. در بیابان، چشمه‌ها و در صحرا،

اسب‌سوار پیدا کنید من دو هزار اسب به شما خواهم داد تا بر آنها سوار شوند! حتی اگر مصر هم به شما اسب‌سوار بدهد باز به اندازه یک افسر ساده آقا می‌قدرت نخواهید داشت. آیا خیال می‌کنید من بدون دستور خداوند به اینجا آمده‌ام؟ نه! خداوند به من فرموده است تا به سرزمین شما هجوم آورم و نابودش کنم!

آنگاه الیاقیم، شبننا و یوآخ به او گفتند: «تو ما را می‌فهمی. به زبان ارامی صحبت کن، زیرا ما آن را می‌فهمیم. به زبان عبری حرف نزن، چون مردمی که بر بالای حصارند به حرفهای شما گوش می‌دهند.»

ولی فرمانده آشور جواب داد: «مگر سرورم مرا فرستاده است که فقط با شما و پادشاه صحبت کنم؟ مگر مرا نزد این مردمی که روی حصار جمع شده‌اند نفرستاده است؟ آنها هم به سرنوشت شما محکومند تا از نجاست خود بخورند و از ادرار خود بنوشند!»

آنگاه فرمانده آشور با صدای بلند به زبان عبری به مردمی که روی حصار شهر بودند گفت: «به پیغام پادشاه بزرگ آشور گوش دهید: نگذارید حزقیای پادشاه شما را فریب دهد. او هرگز نمی‌تواند شما را از چنگ من برهاند. سخن او را که می‌گوید: به خداوند توکل نمایم تا شما را برهاند، باور نکنید، زیرا این شهر بدست ما خواهد افتاد. به حزقیای پادشاه گوش ندهید. پادشاه آشور می‌گوید که تسلیم شوید و در سرزمین خود با امنیت و آرامش زندگی کنید تا زمانی که بیایم و شما را به سرزمینی دیگر ببرم که مانند سرزمین شما پر از نان و شراب، غله و عسل، و درختان انگور و زیتون است. اگر چنین کنید زنده خواهید ماند. پس به حزقیای گوش ندهید، زیرا شما را فریب می‌دهد و می‌گوید که خداوند شما را خواهد رهانید. آیا تاکنون خدایان دیگر هرگز توانسته‌اند بندگان خود را از چنگ پادشاه آشور نجات دهند؟ بر سر خدایان حما، ارفاد، سفروایم، هینع و عوا چه آمد؟ آیا آنها توانستند سامره را نجات دهند؟ کدام خدا هرگز توانسته است سرزمینی را از چنگ من نجات دهد؟ پس چه چیز سبب شده است فکر کنید که خداوند شما می‌تواند اورشلیم را نجات دهد؟»

نهرها جاری خواهند شد. شوره‌زار به برکه، و زمین خشک و تشنه به چشمه تبدیل خواهند گردید. آنجا که شغالها در آن می‌خوابیدند از علف و بوریا و نی پر خواهد شد. در زمین ویران راهی باز خواهد شد و آن را شاهراه مقدس خواهند نامید و هیچ شخص بدکار از آن عبور نخواهد کرد. در آنجا خداوند همراه شما خواهد بود و کسانی که در آن گام بردارند اگر چه جاهل باشند گمراه نخواهند شد. در کنار آن راه نه شیری کمین خواهد کرد و نه خطر دیگری وجود خواهد داشت. نجات یافتگان در آن سفر خواهند کرد. و کسانی که خداوند آزادشان کرده، سرودخوانان با شادی جاودانی، از آن راه به اورشلیم خواهند آمد. غم و ناله آنان برای همیشه پایان خواهد یافت و جای خود را به شادی و سرود خواهد داد.

آشوریها اورشلیم را محاصره می‌کنند

(پادشاهان ۱۸: ۱۳-۲۷؛ ۲ تواریخ ۳۲: ۱-۱۹)

در چهاردهمین سال سلطنت حزقیای سنحاریب، پادشاه آشور تمام شهرهای حصاردار یهوذا را محاصره نموده، تسخیر کرد. سپس لشکری را به سرپرستی فرمانده قوای خود از لاکیش به اورشلیم نزد حزقیای پادشاه فرستاد. او بر سر راه «مزرعه رخت شورها» نزد فئات برکه بالا اردو زد. الیاقیم (پسر حلقیا)، سرپرست امور دربار حزقیای پادشاه؛ شبننا، منشی دربار و یوآخ (پسر آساف)، وقایع نگار دربار نزد او رفتند. فرمانده قوای آشور این پیغام را برای حزقیای فرستاد: «پادشاه بزرگ آشور می‌گوید که تو به چه کسی امید بسته‌ای؟ تو که از تدابیر جنگی و قدرت نظامی برخوردار نیستی، بگو چه کسی تکیه‌گاه توست که اینچنین بضد من قیام کرده‌ای؟ اگر به مصر تکیه می‌کنی، بدان که این عصای دست تو، نی ضعیفی است که طاقت وزن تو را ندارد و بزودی می‌شکند و بدستت فرو می‌رود. هر که به پادشاه مصر امید ببندد عاقبتش همین است! اگر شما بگویید به خداوند، خدای خود تکیه می‌کنیم، بدانید که او همان خدایی است که حزقیای تمام معبدهای او را که بر فراز تپه‌ها بودند خراب کرده و دستور داده است که همه مردم در برابر قربانگاه اورشلیم عبادت کنند. من از طرف آقا میم، پادشاه آشور حاضرم باشم شرط ببندم. اگر بتوانید دو هزار

پادشاهان آشور به هر جا رفته‌اند چه کرده‌اند و چگونه شهرها را از بین برده‌اند. پس خیال نکن که

^{۲۱}مردمی که روی حصار بودند سکوت کردند، زیرا پادشاه دستور داده بود که چیزی نگویند.

^{۲۲}سپس الیاقیم، شبننا و یوآخ لباسهای خود را پاره کرده، نزد حزقیای پادشاه رفتند و آنچه را که فرمانده قوای آشور گفته بود، بعرض او رساندند.

پادشاه از اشعیا کمک می‌خواهد

(۲ پادشاهان ۱۹: ۱-۷)

۳۷ وقتی حزقیای پادشاه این خبر را شنید، لباس خود را پاره کرده، پلاس پوشید و به خانه خداوند رفت تا دعا کند. ^۱سپس به الیاقیم، شبننا و کاهنان ریش سفید گفت که پلاس بپوشند و نزد اشعیا نبی (پسر آموص) بروند ^۲ و به او بگویند که حزقیای پادشاه چنین می‌گوید: «امروز روز مصیبت و سختی و اهانت است. وضعیت ما مثل وضعیت زنی است که منتظر وضع حمل است، اما قدرت زاییدن ندارد. ^۳خداوند، خدای تو سخنان اهانت‌آمیز این سردار آشور را که به خدای زنده اهانت کرده است، بشنود و او را مجازات نماید. برای بازماندگان قوم ما دعا کن.»
^۴وقتی فرستادگان حزقیای این پیغام را به اشعیا دادند، او در جواب گفت: «خداوند می‌فرماید که به آقای خود بگویند از سخنان کفرآمیز آشوری‌ها نترسد؛ ^۵ زیرا من کاری می‌کنم که پادشاه آشور با شنیدن خبری به وطنش بازگردد و در آنجا کشته شود.»

آشوریه‌ها باز تهدید می‌کنند

(۲ پادشاهان ۱۹: ۸-۱۹)

^۶سردار آشور شنید که پادشاه آشور از لاکیش برای جنگ به لینه رفته است، پس او نیز به لینه رفت. ^۷طولی نکشید خبر به پادشاه آشور رسید که ترهاقه، پادشاه حبشه، لشکر خود را برای حمله به او بسیج کرده است. بنابراین پادشاه پیش از رفتن به جنگ، برای حزقیای پادشاه نامه‌ای با این مضمون فرستاد:

^۸«آن خدایی که بر او تکیه می‌کنی تو را فریب ندهد. وقتی می‌گویند که پادشاه آشور اورشلیم را فتح نخواهد کرد، سخنت را باور نکن. ^۹تو خود شنیده‌ای که